هفته نامه سیاسی،
فرهنگی، اقتصادی
ورزشی

نسیم جنوب

هشت صفحه ۵۰ تومان

پیش شماره هجدهم - دوشنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۷۷

سلامی و کلامی

خوش شانس ترین نمایندگان دنیا


بندر طاهری - عکس از عباس حیدری

خالق تنگسیر به سرای باقی شتافت

نگاهی به تئاتر گناوه

قلب سرخ من برای خاتمی

آقای حاجیانی پیاده شوید با هم راه برویم

آقای نماینده مثال را اشتباه فهمیده اید.

تفاوت زبان در چهار زمان در بیان تأثری همسان

آقای حاجیانی، چرا یکسو نگری؟!

تخصص و ورزش

جام جهانی آزمونی برای مربیان و بازیکنان برتر

رئیس جمهور در دیدار با اعضاء تیم ملی فوتبال:

ورزش به ویژه فوتبال عامل بروز وحدت و همبستگی ملی است

تحلیلی تئوریک از مرزبندی‌های سیاسی موجود در ایران

گفتگو با دکتر آقاجری استاد دانشگاه و عضو هسته مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

نرخ کالاها در بازارچه مرزی

اوست جاویدان

صادق چوبک نویسنده بزرگ معاصر،

همشهری ارجمند ما و یکی از دو پیشکسوتان داستان نویس مدرن در ایران (بعد از هدایت) در سن هشتاد و دو سالگی در غربت به سرای باقی شتافت. ما قلمزنان بوشهری، این ضایعهٔ اسفناک را به خانوادهٔ چوبک و به تمامی نویسندگان و مترجمان و شاعران و قلمزنان ایران تسلیت می‌گوئیم و شادی روح او را از یزدان پاک آرزو می‌داریم.

حسن زنگنه، منوچهر آتشی، نجف دریابندری، عبدالحسین شریفیان، علی باباچاهی، منیرو روانی پور، محسن شریف، عبدالمجید زنگوئی، خورشید فقیه، ابوالقاسم ایرانی، علی شیرکانی، ماشاءالله رضاراده، ایرج شمسی‌زاده، احمد فریدمند، میرزا احمد صالحی، محمد بیابانی، محمدرضا تاجدینی، ناصر علیخواه، محمدحسن آرش‌نیا، حسین دهقانی، عبدالرحیم جعفری، احمد آرام

آیندگان انقلاب

پاره‌ای از موفقیتهای مدارس مجتمع آموزشی غیرانتفاعی آیندگان انقلاب از بدو تأسیس تاکنون

۱- مقام اول در آزمون تیزهوشان بین مدارس پسرانه شهرستان و استان بوشهر - ۲- مقام اول در بین قبول شدگان کلاس پنجم ابتدائی پسرانه غیرانتفاعی شهرستان بوشهر - ۳- مقام اول مسابقات علمی پایه پنجم در بین مدارس غیرانتفاعی شهرستان بوشهر - ۴- مقام اول در آزمون آینده‌سازان در شهرستان بوشهر - ۵- مقام دوم در آزمون آینده‌سازان مدارس استان بوشهر - ۶- مقام اول مسابقات علمی پایه سوم در شهرستان بوشهر - ۷- مقام اول مسابقات شعر و نقشه در بین مدارس غیرانتفاعی شهرستان بوشهر - ۸- مقام ممتاز مسابقات هنرهای تجسمی - ۹- قبولی در المپیادهای مختلف ریاضی در مدارس راهنمائی - ۱۰- کسب مقام اول مفاهیم قرآنی در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمائی استان بوشهر - ۱۱- قبولی صددرصد در کلیه پایه‌ها - ۱۲- مقام اول سرود بین مدارس دولتی - نمونه و غیرانتفاعی - بهترین بروشور هنری - ۱۳- کسب مقامهای ممتاز مسابقات قرآن - نهج البلاغه و مدیحه سرائی - نورالمهدی - احکام - اذان - ۱۴- مقام اول هنرهای نمایشی در سطح شهرستان بوشهر ۱۵- مقام اول در مسابقات تحقیق و مقاله‌نویسی - ۱۶- مقام اول در سرود و نماز - ۱۷- مقام دوم در مسابقات شطرنج در سطح شهرستان بوشهر - ۱۸- مقام‌های ممتاز در مسابقات هنرهای تجسمی به مناسبت‌های بهداشتی - ۱۹- کسب مقامهای اول و دوم در رشته‌های ورزشی بسکتبال و هندبال و مینی‌فوتبال بین مدارس راهنمائی پسرانه بوشهر - ۲۰- قبولی در المپیاد علوم‌تجربی بین مدارس راهنمائی دخترانه بوشهر - ۲۱- کسب مقام اول در رشتهٔ ورزشی بدمینتون بین مدارس راهنمائی دخترانه در سطح استان

بهماسیم - کوی فرهنگیان، (آمادگی و دبستان پسرانه (۳۳۲۳۷)، راهنمائی پسرانه ۳۴۹۴۹)، راهنمائی دخترانه (۳۲۱۷۹)

سلامی و کلامی....

یونس قیصی‌زاده

خوش‌شانس‌ترین نمایندگان دنیا

شاید بتوان گفت در هیچ مملکتی از دنیا، نمایندگان مجلس آن به اندازه نمایندگان مردم بوشهر راحت و بی‌دردسر نیستند. در ایام انتخابات، به زمین و زمان متوسل شده و با صدها وعده و وعید به جمع‌آوری رأی پرداخته و چنان فعالند که گویا ادامه انقلاب، به انتخاب آنان بستگی دارد.

اما از فردای انتخاب شدن این نمایندگان، اوضاع و احوال افلاک برگشته و چنان به رتق و فتق امور فرعی و حاشیه‌ای می‌پردازند که گویا انتخاب آنان توسط مردم، وظیفه‌ای بیش نبوده است، مردم بوشهر نیز از آنجا که خصلتاً نجیب و ساکت و بی‌دردسر هستند! نمایندگان را به حال خود رها کرده و دیگر سراغی از آنها نمی‌گیرند.

این روال معمولی نمایندگی در بوشهر است، در قبل از انتخاب: تلاش زائدالوصف برای انتخاب شدن - بعد از انتخاب: رها کردن مردم و پاسخگو نبودن در مقابل آنان - پایان مجلس: تلاش زائدالوصف برای از دوباره انتخاب شدن ... اگر در این حرکت آرام و خواب‌آلوده، ناگهان وقفه‌ای ایجاد شود و مثلاً چند نفر از موکلین همین نمایندگان انتقادات جزیی و مختصری را بر یکی از آنان نمایند، چنان برآشفته شده، خصمانه به مقابله پرداخته و جوابیه‌ای ۲۳ صفحه‌ای برای نشریه‌ای «غرض‌ورز»، «تازه به دوران رسیده»، «جایگاه فحاشان» و «سوء استفاده کننده از آزادی» که «برای داغ کردن بازار فروش و جلب مشتری» به «ریختن آبروی مردم و درج هتاکی و بی‌حرمتی‌ها» می‌پردازد و ضمناً «حامل بوهای ناخوشایند نیز است» ارسال می‌نماید و آنان را به انواع تهمت و توهین مورد لطف قرار داده و می‌نوازاند و انقلاب و آزادی و روحانیت و جامعه مدنی و خانواده شهدا و رزمندگان و ۲۵۰ هزار نفر از موکلین و ... را به میدان کشانده و همه را در معرض خطر پنداشته و خواستار توبه نویسندگان و نسیم نویسان می‌شود! که تازه چه خبر شده است؟ چند نفر بعد از گذشت سالها، اندک انتقادی به کسی نموده‌اند که مثلاً به نمایندگی از آنان به مجلس رفته‌است. عجب دورانی است!!

نمایندگان ملت باید روحیهٔ انتقاد کردن و پیگیری نمودن و حساس بودن نسبت به مسائل استان و کشور را در موکلین و مردم تقویت نمایند، نه خود به عامل بازدارنده آن تبدیل شوند. نماینده‌ای که در مقابل انتقادات جزیی و مختصری، اینگونه برمی‌آشوبد چگونه می‌خواهد جواب سؤالات اساسی مردم را در خصوص مسائل اساسی و اصلی جامعه و استان دهد؟ آقایان نمایندگان بوشهر باید جوابگو باشند که دراین سالها برای حل مشکلات قشر عظیمی از جوانان و نوجوانان این سرزمین چه خدمتی کرده‌اند؟ به سبب بیگانه بودن بعضی از آنان با این جوانان، تردید است که حتی مشکلات آنان را نیز به خوبی درک کرده باشند. آقایان نماینده، سالها است که حسرت استانی آزاد بر دلهای این مردمان است، آیا آبادی جز به ایجاد امکانات و جذب سرمایه و اعتبارات میسر است؟ گازرسانی به شهرهای استان که زمانی رئیس جمهور وقت نیز در حالی که شماها در کنارش ایستاده بودید کلنگ راه‌اندازی آن را بر زمین زد، به فراموشی سپرده شده است، آقای نماینده، شما از موضع نمایندگی‌اتان تا کنون چند بار «بر سر کار گذاشتن» این مردم برای احداث چند کیلومتر لوله‌کشی گاز، به مسئولین مربوطه اعتراض کرده‌اید؟ آیا شاهد این نیستید که مردمان این دیار بر ذخائر انبوه گاز دنیا تکیه زده‌اند اما کپسول گاز به دوش، در پی بدست آوردن گاز، ساعتها سرگردانند. آقای نماینده، آیا تنها در ایام انتخابات به فکر استانی آباد می‌افتید؟ تا به حال چند بار برای احداث راه‌آهن که نقش اصلی را در خارج نمودن این استان از بن‌بست حاضر فراهم می‌آورد، بر سر مسئولین مربوطه فریاد زده‌اید. آیا شماها گره‌های کور اقتصادی استان را نمی‌بینید؟ تلاش خود را در باز کردن این گره‌ها که گلوی مردم این استان را می‌فشارد، برای این مردمان بازگو نمائید. آیا در همسایگی شماها، مردمان آبروداری، زندگی نمی‌کنند که به سبب ندانم کاری مسئولین، معیشت و زندگی آنان به تنگنا افتاده و سر در گریبان، به خجلت ایام می‌گذرانند، در مقابل نگاههای پرسشگر اینان چرا بی‌جوابید؟ آقای نماینده در مقابل معضلاتی که اکنون چون سدی در مقابل صیادان و جاشوان زحمتکش بندرهای ساحلی این استان قد علم نموده، چه کوششی به خرج داده‌اید؟ مردم اکنون منتظر شنیدن پیگیریهای شما برای فعال نمودن گمرکات و بنادر استانند، چرا ساکتید؟ آیا معضل بیکاری جوانان، مهمتر از اعتراض به نی‌انبان نیست؟ اعتراض کردن به مسائل حاشیه‌ای همانند موسیقی محلی برای این جوانان توجیه کم‌کاری شما در حل مشکلاتشان نمی‌شود. بگذارید از شما بپرسیم که چرا نسبت به رکود صنعت در استان، بی‌تفاوتید؟ مگر نه اینکه شماها باید بر طبق برنامه، دو ماه دیگر کارخانه بزرگ سیمان استان را افتتاح نمائید، چرا حتی از طرح یک سؤال جزئی در خصوص متوقف ماندن مرحله شروع این طرح نیز تا کنون خودداری نموده‌اید؟ آیا پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و کم اهمیت، از چشم انداختن مشکلات اساسی و پایه‌ای این مردمان نیست. نمی‌دانم شما به شانس اعتقاد دارید یا خیر؟ اما باید گفت که واقعاً شما شانس آورده‌اید که نماینده مردم استان بوشهر شده‌اید، مردمانی که در ایام انتخابات برای انتخاب شدن کاندیداها از جان مایه می‌گذارند، بعد از انتخابات هیچ توقعی از نماینده‌ندارندوبازدرهنگام‌انتخاب ...

تبدیل آب انبار قوام به یک مجموعه فرهنگی

خبرنگار نسیم جنوب در خصوص تعمیر آب انبار قوام و ساختمان قدیمی شهرداری، مصاحبه‌ای با شهردار بوشهر انجام داده است که در زیر می‌خوانید:

● آقای شهردار لطفاً درمورد تعمیر آب انبار قوام توضیح بفرمائید.

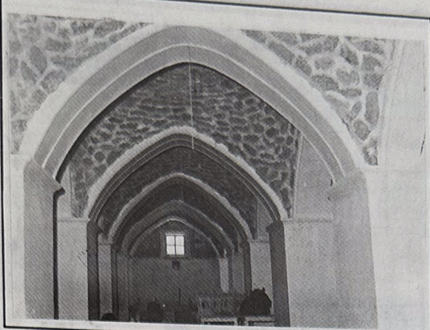
□ از آنجاکه آب انبار قوام به عنوان یک اثر معماری که به نوعی بیانگر بخشی از تاریخ اخیر بوشهر می‌باشد، مطرح است، احیاء آن به عنوان یک اصل برای شهرداری مدنظر بوده، قطعاً بهینه‌ترین راه استفاده از این مجموعه به عنوان چایخانه سنتی بوده و در این شرایط استفاده دیگری به نظر نمی‌رسید. ما در طراحی این مجموعه سعی نموده‌ایم که دیدگاهمان صرفاً به عنوان یک چایخانه نباشد، بلکه به عنوان یک مجموعهٔ فرهنگی، کارکرد داشته باشد. نوع برنامه‌هایی که برای آن تنظیم کرده‌ایم بیانگر کارکرد فرهنگی آن می‌باشد، مانند اجرای شروه‌خوانی و موسیقی محلی. همچنین دو عدد مجسمه در این چایخانه در نظر گرفته شده است که خاطرات مردم بوشهر را در هنگام استفاده از آب‌انبار، در ذهن تداعی می‌کند. به نظر ما احیاء آب‌انبار قوام یکی از کارهایی است که می‌تواند بیانگر این باشد که در صورت وجود اعتبارات می‌تواند بافت قدیم بوشهر را قابل استفاده و در عین حال زیبا نمود.

● هزینه تعمیر آب انبار قوام چقدر برآورد شده است؟

□ جهت احیای آب‌انبار قوام مجموعاً ۳۰ میلیون تومان هزینه کرده‌ایم که با مساعدت و پشتیبانی استاندار محترم و معاونت عمرانی، ایشان قرار است از اعتبارات دولتی پرداخت شود.

● لطفاً در مورد ساختمان قدیمی شهرداری هم توضیحاتی دهید؟

□ در مورد ساختمان قدیم شهرداری همانطور که می‌دانید این ساختمان مربوط به دورهٔ قاجاریه است و هم از لحاظ قدمت و هم از لحاظ نوع معماری حرفهای گفتنی بسیاری دارد، سال ۷۶ برای تعمیر این ساختمان رقمی را در بودجه منظور نشده بود، ولی با مساعدت استاندار محترم، کار احیاء این ساختمان شروع شد و برای اینکه کار به بهترین صورت انجام پذیرد از نظرات دو گروه مهندسین مشاور استفاده گردید. در کار احیاء این ساختمان سعی نموده‌ایم که علاوه بر توجه به معماری ساختمان، به بحث سازه نیز به صورت جدی بپردازیم.



● در مورد سنگریزی برای محوطهٔ جلوی شهرداری قدیم توضیحاتی دهید؟

□ برای اینکه ساختمان قدیم شهرداری جلوهٔ مناسب خود را پیدا کند و همچنین بحث ترافیکی خیابان روبروی آن را حل نمائیم، اقدام به محوطه سازی در مقابل شهرداری قدیم کرده‌ایم، که انشاء الله در آیندهٔ نزدیک مردم عزیز شاهد عملکرد این مجموعه نیز خواهند بود. کار دیگری که مشغول انجام آن هستیم خرید املاک فرسودهٔ اطراف شهرداری قدیم (امیریهٔ سابق) می‌باشد که پس از تخریب آنها و ایجاد محوطه‌سازی، کمک زیادی به زیباسازی محل مانند فضای سبز و پیاده‌رو خواهد کرد.

چمشداشت های مردم از رئیس جمهور

دکتر محمد مهدی جعفری، چهره‌برجسته فرهنگی استان بوشهر، طی مقاله‌ای که در شماره ۱۰۳ روزنامه جامعه با عنوان «کدام مصلحت؟ مصلحت افراد یا پایبندی به اصول» به چاپ رسیده، چمشداشت های مردم از رئیس جمهور را به به این شرح برشمرده است:

۱ـ بر روی شعارهای شعورمند اصولی خود استوار و پایداری ورزند.

۲ـ با هیچ کس و با هیچ قدرتی و بر سر هیچ مسأله‌ای، ذره‌ای سازش نکنند.

۳ـ در همه کارها و برنامه‌های خود عزّت و کرامت انسانی مردم را مدّنظر داشته باشند.

۴ـ در برابر توطئه‌های عصبانی کننده و نومیدسازندهٔ مخالفان هوشیار باشند و به موضع‌گیریهای انفعالی و واکنشی دچار نگردند.

۵ـ در هر مشکلی و فشاری ملت را باخبر سازند و از آنان چاره‌جویی بخواهند.

۶ـ از جوسازیها نهراسند، و از همه نیروها و اندیشه‌های افراد با تجربه و دلسوز یکسان و فراجناحی بهره‌مند گردند.

۷ـ در سیاست خارجی، ضمن حفظ عزّت و استقلال کشور، مصالح ملی آیندهٔ ملت و مردم در سدهٔ بیست و یکم را در نظر داشته باشند.

۸ـ توجه داشته باشند، چنانکه دارند، توسعه سیاسی و فرهنگی یک حرکت پویا و روبه رشد جهانی است، که در حال پیش رفتن است و اگر ما خود را با آن همگام نسازیم، ما را همچنان پشت سر خواهد گذاشت، و اگر فرصت دیگری به دست آوریم، هر چه بکوشیم خود را بدان کاروان نتوانیم رسانید.

۹ـ از فرصت پیش آمده در جهان، برای گفت وگوی تمدنها، کمال استفاده شود و بدانند که ما بحمدالله حجّت و منطق و میراث ریشه‌دار وکهنسال فرهنگ ایرانی ـ اسلامی را در اختیار داریم.

۱۰ـ در هیچ زمینه‌ای به صورت روزمرگی و مُسکّن سازی و موقت و با دستپاچگی عمل نکنند و بدانند که تا ملت را دارند، خدا هم یار و یاور او است.

نرخ کالاها در بازارچه مرزی

مدتی از شروع بع کار بازارچه مرزی می‌گذرد، ولی هنوز ار خرید مردم از این بازارچه خبری نیست، این روزها مدیر این بازارچه نیز تعویض شده و شایعاتی نیز در خصوص ورود و خروج بعضی از کالاها بصورت کلان از این بازارچه پخش گردیده است. خبرنگار ما برای مصاحبه با مدیر جدید این بازارچه حدود دو هفته است که به دفتر این بازارچه مراجعه می‌نماید ولی موفق به مصاحبه با مدیر آن نشده است. علت رکود این بازارچه از جمله سؤالاتی است که متأسفانه تلاش ما برای یافتن پاسخ آن تا کنون بی‌نتیجه مانده است. به گزارش خبرنگار ما، اقلامی از اجناس و قیمتهای آن که در تابلوی این بازارچه نصب گردیده، بدین شرح می‌باشد:

* چرخ خیاطی، یک دستگاه ۱۲۵۰۰ تومان، سهمیه هر خانوار یک دستگاه
* روغن مایع، هر گالن ۳ لیتری، ۲۱۵۰ تومان، سهمیه هر خانوار ۲ گالن
* زرد چوبه، هر کیلو ۷۰۰ تومان، سهمیه هر خانوار ۵ کیلو،
* کارد میوه‌خوری، قیمت هر جین ۱۰۰۰ تومان، سهمیه هر خانوار ۲ جین
* دارچین، قیمت هر کیلو ۱۱۲۶ تومان، سهمیه هر خانوار ۲ کیلو

افتتاح طرح میثاق ۳ در بوشهر

مراسم افتتاحیه کلاسهای تابستانی طرح میثاق ولایت ۳ در محل ناحیه مقاومت بوشهر برگزار شد. در این مراسم مسئول معاونت پرورشی منطقه مقاومت سپاه استان بوشهر گفت: امسال حدود ۳۵۴ پایگاه بسیج در اختیار این طرح در جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان و نوجوانان قرار گرفته است. در ادامه این مراسم حجت‌الاسلام صداقت با بیان ویژگیهای یک بسیجی گفت: بسیجی انسانی است که در همه موقعیتها ممتاز است و ویژگیهای منحصر به فرد خود را دارد و باید بسیجیان مثل سالهای دفاع مقدس در تمام زمینه‌ها سرمشق دیگران باشند.



سید محمد مهدی

دانش آموز کلاس اول دبستان نمونه مردمی شجاعی‌فر بوشهر در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ با معدل ۲۰ شاگرد ممتاز شناخته شد.

ضمن تقدیر و سپاس فراوان از زحمات اولیاء محترم دبستان به ویژه مدیر و معلم وی جناب آقای دربندی و خواهر فداکار، پرتلاش و دلسوز سرکار خانم مصدق‌زاده

تئاتر
هستی و نیستی

نویسنده و کارگردان: اسماعیل قیصی‌زاده

بازیگران: جواد متین، اسماعیل ملاح‌زاده، محسن قیصی‌زاده،

زمان اجرا: یکشنبه ۲۱ تیر - ساعت ۷ بعدازظهر

مکان: حوزه هنری - روبروی شهر و روستا - کارگاه نمایش

خالق تنگسیر به سرای باقی شتافت

منوچهر آتشی

کودک هفت، هشت ساله‌ای که حدود هفتاد و پنج سال پیش در کوچه‌های سیخ زدهٔ بوشهر سرگرم بازی «چوب کلی» - شاید هم «گل بگیر شده» با همبازیانش بود با شنیدن صدای شلیک تفنگ، دسته جمعی به سمت صدا حرکت کردند. در همین حال جوانک مورد نظر ما، مرد روستائی بلند بالایی را دید که از روبرو می‌آید و چوخه‌ای شیرشکری بر شانه دارد و خونسرد اما قدری با شتاب قدم برمی‌دارد. مرد وقتی توجه بچه‌ها را دید گفت: بدوید! فکر می‌کنم «کنده رجب» صرّاف شهر را کشته‌اند.

بچه‌ها رفتند، اما جوانک تیز هوش ما، احساس دیگری داشت. او ته دلش حس می‌کرد هر چه هست زیر سر همین مرد قوی هیکل کلاه نمدی است، و آهسته به تعقیب او پرداخت. جوانک ما تا نزدیک ظهر، سه بار شاهد این نمایش شگفت‌انگیز بود. نمایش به این صورت که مرد وارد خانه‌ای می‌شد، صدای تفنگ در فضا می‌پیچید و بعد که مردم هجوم می‌آوردند، روستائی بلند بالای خونسرد، نام مقتول بعدی را هم می‌گفت و مردم و بچه‌ها را به آن سمت کیش می‌داد! پنجاه و اندی سال بعد، یا کمتر، کتابی منتشر شد با نام "تنگسیر"، و سرگذشت مردی را بازگو می‌کرد که برای گرفتن حق از دست رفته‌اش به خانهٔ خورندگان حقش می‌رفت و پس از شنیدن انکار آخری، آنها را یکی یکی به دیار عدم می‌فرستاد. مردی که پس از کامل کردن انتقام، از چنگ مأمورین هم در رفت و رفت که رفت. آن جوانک تیزهوش "صادق چوبک" بود که خانواده او را همه در بوشهر می‌شناختند و آن مرد که قهرمان رمان تنگسیر شد «زایر محمد» نام داشت که بعدها از طرف مردم شیرمحمد لقب گرفت. رمانی که فیلم شد و همه آن را دیدند و پسندیدند. اما صادق چوبک تنها خالق تنگسیر نبود. او مجموعه‌های داستانهای کوتاه و یک رمان دیگر هم با نام «سنگ صبور» نوشت که تقریباً تمامی آنها در ایران به شهرت و آوازهٔ دلخواه رسیدند. منتقدان با انصاف در نوشته‌های خود جایگاه صادق چوبک را در کنار صادق هدایت قرار دادند و او را بعد از هدایت بزرگترین نویسنده پیشکسوت ایران خواندند خصوصاً داستانهای کوتاه او بینهایت مورد توجه قرار گرفت. البته منتقدان بی‌انصافی هم کوشیدند چهرهٔ او را به بهانه‌های بیهوده و غیرادبی مخدوش جلوه دهند. در نهایت صادق چوبک نویسنده بزرگ ولی مظلوم بود و توجهی در خور آثارش به سوی او جلب نشد این بود که عازم غربت شد. در غربت زیست، نابینا شد سرانجام در سن ۸۲ سالگی، همین دو سه روز پیش رسانه‌های خارجی (نه داخلی) خبر مرگ او را در سانفرانسیسکوی امریکا اعلام کردند. ما در گذشت این پیشگام نیرومند نویسندگی را در ایران، و این همشهری بزرگ را به خانوادهٔ او و به همهٔ نویسندگان، شاعران، مترجمان و ادب دوستان ایران تسلیت می‌گوئیم و در آرزوی روزی هستیم که هم تمامی آثار او ـ که اغلب نایاب است ـ یکجا تجدید چاپ و منتشر شود و بتوانیم گرامیداشتی در خور شأن او برایش برگزار نمائیم. نسیم جنوب در شماره آینده مقالات مفصلی دربارهٔ چوبک خواهد داشت و از خوانندگان و افراد و خانواده او هم می‌خواهیم که به هر طریق می‌توانند ما را در این مهم یاری کنند.

موسوی‌خوئینی‌ها درپست وزارت کشور؟

پس از برکناری عبدالله نوری، از وزارت کشور، سؤال مه[...] طرفداران خاتمی این بود که جانشین وی که بتواند ادام[...] دهنده برنامه‌های توسعه سیاسی باشد کیست؟ به گزارش برخی منابع، رئیس جمهور مصمم است تا هر چه زودتر وزیر کشور را معرفی کند. در میان کاندیداهای این پست حجت‌الاسلام موسوی‌خوئینی‌ها، عضو برجسته مجمع روحانیون مبارز، احتمال بیشتری را برای رسیدن به پست وزیر کشور دارد. نزدیکان رئیس جمهور به شدت در تلاش هستند تا زمینه‌های لازم را برای جلب نظر او به منظور پذیرفتن پست وزارت کشور فراهم کنند. گفته می‌شود این بحث در مجمع روحانیون مبارز نیز بطور جدی پیگیری می‌شود، موسوی خوئینی‌ها در حال حاضر از اعضای برجسته مجمع روحانیون مبارز، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، مشاور سیاسی مقام معظم رهبری و صاحب امتیاز و مدیرمسئول روزنامه سلام است.

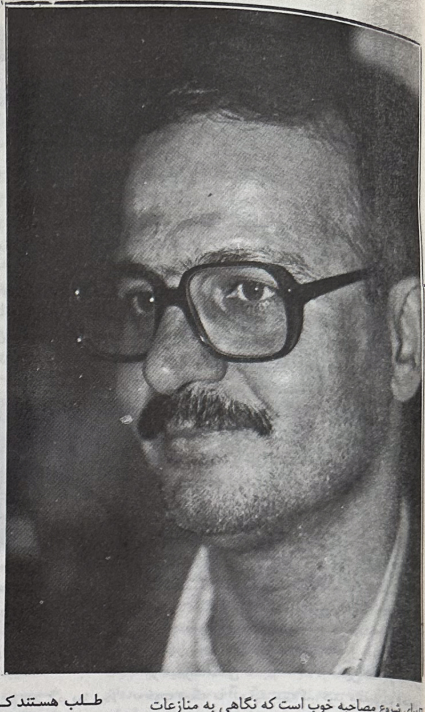
همچنین گفته می‌شودکه برخی از اعضای جناح اکثریت مجلس پس از عدم رأی اعتماد به عبدالله نوری وزیر سابق کشور، به دولت پیام داده‌اند که در صورتیکه علی‌اکبر محتشمی یا محمد صدر به عنوان وزیر کشور به مجلس معرفی شوند، جناح اکثریت مجلس احتمالاً رأی مثبت خواهد داد.

نسیم جنوب

تحلیلی تئوریک از مرزبندی‌های سیاسی موجود در ایران

در گفت و گو با دکتر هاشم آقاجری

استاد دانشگاه، نظریه پرداز و عضو هسته مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی



دکتر سید هاشم آقاجری از مبارزین قبل از انقلاب است که در آن هنگام در راه مبارزه ،چندین بار به زندان افتاد. وی در سالهائی که دشمن به مرز و بوم ما تجاوز کرده بود، تفنگ بر دوش گرفت و به جبهه‌های جنگ شتافت و در این راه، دریکی از عملیات‌ها از ناحیه پا جانباز شد. پس از جنگ او به نبرد در میدان سخت‌تری ادامه داد و آن گفتمان اصلاح دینی و پروژهٔ گذار از سنت به مدرنیسم می‌باشد. دیروز ترکش خمپاره‌های دشمن او را مجروح می‌کرد امروز تهمت دوستان و کسانی که تنها یک قرائت از اسلام را قبول دارند.

دکتر آقاجری هم اکنون از اساتید دانشگاه تربیت مدرس تهران و رئیس بخش تاریخ این دانشگاه و یکی از تئورسین‌های برجسته سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و عضو هیئت تحریرهٔ نشریه «عصر ما» ارگان سازمان م.ا.ا می‌باشند. با تشکر از ایشان که با متانت و حوصله و حفظ صراحت در این گفتگو شرکت کردند.

«دبیر بخش مقالات»

□ برای شروع مصاحبه خوب است که نگاهی به منازعات کنونی در ایران و شکافهای اجتماعی که در بستر این منازعات بوجود آمده است بپردازیم،لطفاًدر این خصوص توضیح دهید.

● بسم الله الرحمن الرحیم. در جامعه کنونی ایران، به اعتقاد من سه شکاف اصلی وجود دارد، یکی شکاف ناشی از سنت و مدرنیته.(مقصودم از مدرنیته اشکال گوناگون ما بعد «سنتی» است.) شکاف دوم، شکاف میان دموکراسی است و اشکال گوناگون ضد دموکراتیک، که خود به شاخه‌ها و گرایشات مختلفی قابل تفکیک است. یعنی نیروهای ضد دموکراتیکی که در جامعهٔ ما هستند هم می‌توانند از موضعی که سالارانه و نوعی توتالیتاریسم، گرایشات ضد دموکراسی خودشان را پیش ببرند و هم می‌توانند از مواضع در واقع نوعی اشرافیت استبدادی، نوعی الیگارشی. شکاف سومی هم که وجود دارد، شکاف ناشی از عدالت و بی‌عدالتی است. بی‌عدالتی که بسترش در جامعه ما گرایشات سرمایه‌داری و ساختهای سرمایه‌دارانه است. البته خود ساختها و گرایشات سرمایه‌دارانه در جامعه ما اعم است از سرمایه‌داری تجاری و سرمایه‌داری صنعتی.

از میان این سه شکاف یا گرایش، دوگرایش اول گرایشهای فعال بعد از دوم خرداد در جامعهٔ ما شده است که در واقع شکاف سوم را تحت‌الشعاع خودش قرار داده است. به همین دلیل آرایش قوائی که از دوم خرداد ۷۶ به این طرف به وجود آمده، آرایش قوا حول این دو محور است. به همین دلیل صف بندی که وجود دارد، صف‌بندی دو طیف از گرایشات و نیروهای موجود در جامعه فعلی ایران است که هر طیف بر اساس وجوه مشترکی که نسبت به شکافهای یاد شده دارند، بطور ائتلافی در کنار هم قرار گرفته‌اند و درمقابل طیف روبرو. در یکسو طیفی است که بر اساس گرایشات ضد نوگرائی و مدرنیته و از مواضع سنت گرایانه به مسائل نگاه می‌کند، همچنان که از مواضع ضد نوگرائی دموکراتیک حمایت می‌کند با قرائتهای گوناگون درمقابل طیف ائتلافی که بر نوعی دموکراسی تکیه می‌کند که در شعارهای قانون‌گرائی، جامعه مدنی تبلور یافته است، و هم از نوعی در واقع نوسازی، به مفهوم کلمه، حمایت می‌کند. البته به دلیل اینکه در جامعهٔ ما گفتمان مسلط یک گفتمان دینی است، تمام این گرایشات و شکافها و نمایندگان آنها در چارچوب دینی بیان می‌شود و طبعاً همهٔ آنها متصف به صفت «اسلامی» و «دینی» هستند.

شکاف سوم هنوز در جامعهٔ ما بیان خاصی پیدا نکرده و شکاف فعالی نشده، به همین دلیل ما از حیثیت دیدگاه طبقاتی و مواضع اقتصادی شاهد نوعی پراکندگی نمایندگان و نیروهای بیان کنندهٔ هر سمت و شکاف در دو طیف مقابل هستیم. یعنی در حال حاضر، در یک طیف هم بخشهایی از نمایندگان سرمایه‌داری تجاری در جامعهٔ ما قرار دارد، و هم بخشهائی از نیروهایی که خواهان عدالت هستند و تعلقات و خواستگاه طبقات پائین اجتماعی دارند، طرفدار محرومان و مستضعفان هستند. در طیف مقابل هم به همین ترتیب. در واقع از حیث مواضع اقتصادی نوعی مواضع ائتلافی وجود دارد یعنی یک بخش از نیروهای طیف مقابل نماینده بخشهای سرمایه‌داری است با گرایشات سرمایه‌داری سنتی و سرمایه‌داری مدرن، و هم نیروهای عدالت طلب هستند که خواستگاههای پائین اجتماعی و طرفداری از محرومان و مستضعفان و اقشار محرومان شهری و اقشار خرده بورژوازی دارند... .

□ ببینید! ما بسیاری از افراد و تفکراتی را در ایران معاصر سراغ داریم که آنها در شعار پایگاه طبقاتیشان طرفدار مستضعفین هستند اما در منافع دست در دست ارتجاعی‌ترین گرایشات سرمایه‌دارانه بسته‌اند و ماوراء سرمایه‌داری مدرن حتی عمل می‌کنند با این پارادوکس اجتماعی- عقیدتی چگونه باید برخورد کرد؟

● ما منازعهٔ سیاسی کنونی جاری در ایران را با دو رویکرد می‌توانیم مورد مطالعه قرار دهیم:

یکی رویکرد روان‌شناختی. در رویکرد روان شناختی ما مسائل را بر اساس انگیزه‌ها، سنتها و شخصیت آدمها مطالعه می‌کنیم، اشکال رهیافت روانشناسانه این است که به ما قدرت هیچگونه «تیپ سازی» و «سنخ شناسی» نمی‌دهد.

یعنی به تعداد افرادی که وجود دارند، ما می‌توانیم موضع داشته باشیم. به عنوان مثال: فرصت طلبی، ابن‌الوقتی واپرتونیسم. این خصلت شخصی است که هر آدم در هر دسته و گروهی می‌تواند داشته باشد. چنین است ریاکاری، دوگانگی در قول و فعل، و... اینها در واقع مسائل شخصی و شخصیتی آدمها است که به هیچ وجه نمی‌شود مسائل اجتماعی را در سطح کلان به آنها تعویل کرد و جریانهای بزرگ اجتماعی را با آن تحلیل نمود. رویکرد دوم، رویکرد جامعه شناختی است. من در بحثی که خدمتتان عرض کردم، درواقع با رویکرد جامه شناختی به قضایا نگاه کردم، لذا برای استنتاج صحیح از ماهیت و مضمون جریان‌هائیکه در حال وقوع است، نباید قضایا را ارتباط داد بر منش شخصی افراد. زیراکه تکیه بر این منش شخصی، به هیچ وجه نمی‌تواند از این انبوهی درهم و برهم واقعیتهایی که پیش روی ما است، هیچگونه سنخ شناسی و مدل‌سازی روشنی به دست ما بدهد. در هر مبارزه اجتماعی و در هر حرکت بزرگ جمعی، یک سلسله قازورات، به تعبیری وجود دارد که نبایستی ماهیت جریان را تعویل به آن کرد. ضمن آنکه من تأیید می‌کنم که در همهٔ طیفها و جریاناتی که وجود دارند، کسانی هستند که بنا به انگیزه‌های شخصی خودشان در این جریان شرکت می‌کنند، اما ما در حال حاضر نمی‌توانیم بیائیم بر اساس مسائل شخصی افراد، جریانهای اجتماعی را تیپ‌بندی بکنیم، لذا برای آنکه به درستی ماهیت منازعه را بشناسیم، می‌بایستی ماهیت اجتماعی، سیاسی، طبقاتی مسئله را در نظر بگیریم تا بتوانیم جایگاه کارکردی آن منازعه را پیدا کنیم. ممکن است در یک جریانی بنده یا جنابعالی با انگیزه‌های شخصی وارد بشویم اما نتیجه مبارزه و برآیند قوائی که وجود دارد تابع نیتها و قصد و مقاصد شخصی ما نیست. ای بسا آدمهایی با انگیزه‌های خیر و نیتهای خدا پسندانه‌ای وارد جریاناتی بشوند که برآیند و نتیجه‌اش، شر باشد و یا برعکس.

□ این همان بحثی است که می‌گوئیم ملاک ما در دادرسی عملکرد تاریخی افراد و جریانها نباید نیت و قصد فردی باشد. درفلسفهٔ تاریخ و تحلیل تئوریک تاریخی «نیت» هیچ جایگاهی ندارد زیرا دست‌یابی به آن فی‌الواقع غیرممکن است. نیتها را فقط خداوند می‌داند و خداوند هم در جهان آخرت به آن رسیدگی و حکم می‌کند.

● همین است اگر ما در مقام خدائی بنشینیم و بخواهیم در روز رستاخیز قضاوت بکنیم، در روز رستاخیز، داوریها داوریهای فردی است... .

□ اما قرار نیست ما خدائی کنیم. ما به این دنیا آمده‌ایم که بشر باشیم و از منظر بشریت به مسائل بنگریم. خدایی کار خدا است و بس.

● بله درست است. در دادرسی‌ها و تحلیلهای اجتماعی اصلاً نمی‌توانیم پای نیتهای افراد را به میان بکشیم. به عبارت دیگر، عالم جامعه عالم تناسب قوای اجتماعی و سیاسی است که با عالم اخلاق متفاوت است. البته می‌شود پرنسیپ‌های اخلاقی را هم به عنوان یک مؤلفه در تحلیل جریانهای سیاسی وارد کرد اما در حال حاضر در ایران، به قدری از این حیث اختلاط و درهم برهمی وجود دارد که واقعاً نمی‌شود خط روشنی کشید و گفت مثلاً یک دسته از نیروهای واقعاً موجودی که در جامعهٔ ما هستند، نیروهای پایبند به اخلاق هستند، و یک دسته از نیروهایی که پایبند اخلاق نیستند. به اعتقاد من در میان همهٔ نیروها و گروهها هستند آدمهایی که پایبند با اخلاقند و دارای شخصیتی متین و صادقی هستند و افرادی هم هستند که این چنین نمی‌باشند لذا ما نبایستی سطح تحلیل را بَبریم در سطح مسائل فردی زیراکه گمراه کننده است. در آن صورت ما درباره این مضمون عمومی که در حال حاضر جریان دارد از نگاه یک شخص، قضاوت می‌کنیم و به اشتباه می‌افتیم.

□ من زیاد با نظر شما موافق نیستم. در طیف‌بندیهای موجود چون هنوز شفافیت چندانی وجود ندارد، بیش از آنکه حول اندیشه‌ها دور بزند، در حال حاضر در ایران حول

در جامعه کنونی ایران، سه شکاف اصلی وجود دارد، شکاف ناشی از سنت و مدرنیته. شکاف میان دموکراسی و اشکال گوناگون ضد دموکراتیک. شکاف ناشی از عدالت و بی‌عدالتی.

در دوم خرداد، خاتمی بیان یک واقعیت بود. یعنی وی نبود که جریان دوم خرداد و حوادث بعدی را به وجود آورد بلکه ایشان به آئینه‌ای مبدل شد که تمام واقعیتهای موجود به نحوی در ایشان منعکس شده است.

ساخت جامعه ما هنوز از حیث اجتماعی سرگردان است میان یک ساخت توده‌ای با یک ساخت مدنی.

جامعهٔ کنونی ایران نیازمند به یک پروژه‌گذار مسالمت آمیز است.

اشخاص دور می‌زند و این ناگزیر تحلیل شخصی را نیز به میان می‌آورد. یعنی درست است که ما نباید نیتها را ملاک داوری قرار دهیم، اما اشخاص و عملکرد آنها را باید مورد قضاوت قرار دهیم زیرا در حال حاضر در ایران این اشخاص هستند که جریان‌سازی می‌کنند نه اندیشه‌ها، افکار، عقاید و حتی فرهنگها.

● در عین حالی که در حال حاضر نخبگان در جامعهٔ ما اهمیتشان بیش از جوامع دیگر است، اما جریان جاری اجتماعی امروز ما را نمی‌شود به نخبگان تقلیل داد. به عنوان مثال ما آقای خاتمی را درنظر می‌گیریم نمی‌شود جریان دوم خرداد را تقلیل داد به ایشان.

□ اما قبول می‌کنید که ویژگی متبلور در برخی از رقیبان ایشان بود که بسیاری از مردم را به سوی خاتمی و اندیشهٔ خاتمی سوق داد؟

● من واقعهٔ دوم خرداد به بعد را چنین تحلیل می‌کنم که ساخت اجتماعی ایران از آن تاریخ از نقطهٔ عطفی گذشته است. البته در این تحول عمومی جناح موسوم به جناح چپ هم نقشی داشته باشد.

□ اما من اعتقاد دارم که واقعهٔ دوم خرداد بیش از آنکه مبین گرایش به چپ در جامعهٔ ما بوده باشد، نشان‌دهنده برگشت مردم از قرائت رسمی و حاکم از اسلام راست سنتی بوده است. یعنی دوم خرداد ۷۶ یک نه بزرگ بیست میلیونی به نوعی قرائت از انحصارگرایانه و استبدادگرایانه از اسلام بود.

● درست است. من هم قبول دارم. تحول خرداد ۷۶ را نباید مساوی با پیروزی چپ در ایران تلقی کرد.

در دوم خرداد ۷۶ خاتمی، بیان یک واقعیت بود. یعنی آقای خاتمی نبود که جریان دوم خرداد و حوادث بعد از آن تا امروز را به وجود آورد بلکه ایشان به آئینه‌ای مبدل شد که تمام واقعیتهای موجود به نحوی در ایشان منعکس شده است. به گونه‌ای که شخص رئیس جمهور اکنون دچار یک وضعیت مشروط بودگی شده است. نسبت به این واقعیت. یعنی خود آقای خاتمی امروز نمی‌تواند فراتر از خواستهای اجتماعی برود. زیرا اگر فراتر برود، یا حتی اگر کوتاه‌تر بیاید، آن موقع ممکن است به سرنوشت چهره‌ها و کسانی دچار شود که مردم در دوم خرداد به آنها «نه» گفتند. یعنی رابطهٔ بین نخبگان و شخصیتهائیکه بیان می‌شوند در هر دوره‌ای، با ساخت نیروهای فعال هر اجتماع یک رابطهٔ دوسویه است. البته در برخی از دوره‌ها وزنهٔ سنگین به سود آن نخبه و شخص است و در برخی از دورانها آن وزنهٔ سنگین به سود آن وضعیت اجتماعی است.

□ اما نقطه ضعف خاتمی هم همین است. در حال حاضر ما یک چپ سیاسی طرفدار خاتمی داریم و یک راست فرهنگی. یعنی این شکنندگی در ترکیب ائتلاف خاتمی وجود دارد که برخی‌ها شاید از نظر سیاسی خاتمی را قبول داشته باشند، اما از نظر فرهنگی مخالف او هستند. ما در جامعه افراد چندی را سراغ داریم که از نظر سیاسی علی‌الظاهر طرفدار خاتمی هستند، اما در بعد مسائل فرهنگی و نوآوری مخالف او می‌باشند.

● من فکر می‌کنم باید چپ و راست را معنی کنیم. من واقعاً نمی‌دانم منظور شما از چپ سیاسی و راست فرهنگی چیست ...؟

□ مثلاً کسانی که مواضع سیاسی خاتمی را قبول دارند اما مثلاً در خصوص موسیقی رایج و یا محلی معترضند و یا اصلاً نسبت به نیازهای جوان و نسل جوان بی‌تفاوتند و برای حل آن روش‌های قدیمی وکهنه را پیشنهاد می‌کنند و به اصطلاح پیرسالار هستند.

● من برمی‌گردم به اشاره‌ای که خودتان کردید. ما در حال حاضر داریم یک دوران گذر را طی می‌کنیم. از ویژگی‌های هر دوران گذاری یک وضع آمیخته و نوعی عدم تفکیک ساختاری است. این یکی از مشکلات جامعه ما است. جامعه ما بخلاف جوامعی که مرحلهٔ تفکیک ساختاری را گذرانده‌اند، ساخت اجتماعی جامعه ما هنوز رشد و تکامل کافی پیدا نکرده و لذا هر گروه، طبقه و بخش اجتماعی، بیان شفافی در قالب یک جریان مشخص پیدا نکرده است. به عبارت دیگر ساخت ما هنوز از حیث اجتماعی سرگردان است میان یک ساخت توده‌ای با یک ساخت مدنی. طبعاً در این ساخت آمیخته، ما شاهد برخی تناقضها هستیم.اما مطمئناً هر چه این جریان اجتماعی تکامل بیشتری پیدا کند و شفافتر بشود ما می‌بایستی در آینده شاهد تفریقها و تفارقهای تکامل یافته‌تر و بیشتری باشیم. نیروها نسبت به هم بیشتر و شفاف‌تر مرزبندی می‌شوند. درهمین جناحی که امروز طرفدار آقای خاتمی است، فرض کنیم جناح مقابل به تدریج محو بشود. و یا دستور کار جامعه ایران از سطح شکاف‌های مدرنیته و سنت و دموکراسی و ضد دموکراسی خارج بشود و مثلاً شکافهای اقتصادی مطرح بشود، در آن صورت باید شاهد آن باشیم که نیروهائی که امروز در یک طیف قرار دارند، بر سر مسئله عدالت، گرایشات متضادی ظهور کند.

بله، تناقضهائی که اشاره فرمودید یک واقعیت است. ولی زمان، آنها را حل می‌کند و نبایستی عجله کرد.

□ بعنوان آخرین سؤال، نظرتان درباره سیاست صبر و مدارای خاتمی چیست؟

● البته تاکنون این سیاست نتایج مثبتی داده است. من معتقدم که جامعهٔ کنونی ایران نیازمند به یک پروژه گذار مسالمت‌آمیز است. تجربهٔ ۱۵۰ سالهٔ اخیر ایران نشان داده که پروژه‌های گذار غیر مسالمت‌آمیز هزینه‌شان خیلی بالا است و ضایعاتی رابه دنبال دارد و فشار بر روی جامعه می‌آورد. تمام نیروهای طرفدار انقلاب، اسلام و ایران باید کسانی را که می‌خواهند خارج از چارچوب قانون و فراتر از قواعد بازی، اهداف خود را دنبال بکنند، هدایت کنند و به آنها تفهیم شود که پروژه‌های خشن به نفع هیچکس نیست.

شهر ما، بوشهر

● عبدالمجید زنگوئی

شهر ما، بوشهر
شهر دیرین هزاره‌هاست
شهر شرجی‌ها، در حرم نفس‌گیر جنوب
شهر گرمازا، شهر دریای وسیع
شهر تا دورترین عمق افق
که فرو می‌بلعد
گوی زرین خورشید تناور را هر شامگهان در کام
شهر ما
نقش بر جستهٔ تاریخ پر از فخر خلیج
که جهانخواران روزی
تشنهٔ دیدارش بودند، و بر آن جان می‌دادند
تا شیرهٔ جانش بمکند
و فرآوردهٔ خاکش را کشتی کشتی
بار کنند
و کنون نیز، چشم طماع طمعشان
پی نیرنگ و دغلکاری است.
شهر ما
مهد دیرین تمدن
فخر تاریخ قرون
از ظهور ایلام و لیان
تا افول ریشهر
و رشادتهای «باقرخان»
و مهیب خشم آتش «احمدخان»
بر فوج شریر دشمن
شهر ما
شهر آئینهٔ یکرنگی و صدق است و صفا
شهر آئین‌ها و اندیشهٔ پاک
سرزمینی که شجاعت می‌بارد
از ما تپه و هورش و مخ زارش
مأمن «میرمهنا»، پهنهٔ دریایش
جولانگاه «علی دلواری»
سینهٔ صحرایش
کوچه‌های تن تبدارش، قصه‌ها می‌گویند
از «شیر محمد»، که چو شیری برخاست
تا زنیرنگ و خباثت‌ها
پرده برگیرد با آتش قهر
شهر ما
جایگه بیداری است
محفل شروه و شعر و شور و شیدایی
سرزمین فایز، مفتون و شفیق
سرزمین پریان دریائی
□
شهر ما، اکنون
خفته زیر باری، از یأس و امید
جمع اضداد است
یک طرف، پاساژ و زرق و نگار
یک طرف آوار سقف فرو ریخته و متروک
بازارچه‌ای بی‌جان
شهر ما اکنون
به تیماری زخمی و سرگردان است
که کنار دریا، اشک می‌ریزد
و سر از عقده فرو برده است
در دامن خویش
شهر ما
- خاتم پررونق دریاها -
که به گیسوی بلند خورشید
چنگ می‌آویخت
روزی، باشادابی
و افقها را، تا دورترین اعماق
می‌پایید، با دیدهٔ باز
خفته اینک بر بستر اسفنجی سنگی
که زاعصار و قرون مانده به جا
تا که شیدائی و شنگولی دریایش را
به تماشا بنشیند و حالی بکند
شهر ما
- این وطن سرخوش پیراری -
با کوچه و پس کوچهٔ فرسوده و تار
با پیشانی پراخمش، آیا
رنگ شادابی و رونق را
خواهد دید
یکبار دیگر؟
شهر ما
با غم و درد مدامش
با سینه پر رازش
آمال درازش
به کجا خواهد رفت؟

نگاهی به تئاتر گناوه

«حسین دهقانی - جهانشیر یاراحمدی»

گناوه با تاریخی کهن و بندری خفته و آرام بر خلیجی پر وسوسه که امواج توفنده و کف‌آلود آن سالیان درازی است بر پهلوی خمیده و زخم خورده‌اش شلاق می‌کوبد با مردمانی صبور و پرطاقت، میهمان نواز و دریانورد که در دامان پر مهر خود "ابوسعیدها" پرورده، به فاصله یکصدوپنجاه‌و شش کیلومتری شمال غربی بندر بوشهر در ساحل خلیج فارس با ۲۹ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۰ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ با ارتفاع متوسط یک تا پنج متر از سطح دریا قرار گرفته است. به قول حمدالله مستوفی در نزهت القلوب، پیدایش بندر جنّابا را به بن‌طهمورث شاه دیویند نسبت داده‌اند و به نقل از از احمد بن یحیی بلازری اوائل اسلام یعنی در زمان خلافت خلیفه دوم توسط عثمان بن‌ابی‌العاس حاکم بحرین فتح گردید و همگی به دین اسلام مشرف شدند. آنجا را محققان، محل فعالیت قرمتیان نیز دانسته‌اند. تاریخ‌نگارانی همچون ناصرخسرو قبادیانی شاعر بزرگ ایران سفری کوتاه به این بندر داشته‌اند.

تاریخ‌نگاران، دریانوردان و ادبای بزرگ نیز از این بندر دیدن کرده‌اند و استعمارگران بسیاری به قصد تطاول به حریمش دست آزیده‌اند. تضاد پردامنه دریا و خشکی، نبردهای طولانی و توام با ویرانیهای جانکاه خلفا و مستعمره‌چیان، رفت و آمد گسترده اُدبا وشعرا، داد و ستد با بنادر و شهرهای همجوار همچون بندر مهرویان و شهرهای ریشهر، توج، ارجان و سیراف همگی جهانبینی، استعداد و معرفت والایی که نشأت گرفته از نظام فکری غنی است نصیب مردمان این دیار نموده است که لابد در هنر و ادبیات آنان بی‌تأثیر نبوده و در ساختار اسطوره‌ای و حماسی آنجا اثر گذاشته است. به شرح اجمالی از هنر نمایش در این بندر قدیمی استان مقاله را پی می‌گیریم.

نمایش درگناوه از دههٔ پنجاه با اجراهای تخته حوضی و میان پرده‌های شاد و کوتاه (اینترلوت) در مدارس و با تلاش معلمین و دانش‌آموزان هنرمند آغاز شد. قدیمیترین نمایش که به اجرا درآمده تئاتر «واکسی» بود که توسط محصلین مدرسه دانش بر صحنه رفت. یکی از پیشکسوتان در این مورد می‌گفت مسئولی که در آن وقت به تماشای نمایش آمده بود در پایان خطاب به کارگردان و بازیگران و عوامل صحنه گفت:« شما با کار قشنگتان نه تنها جان ما بلکه روح ما را واکس زدید». این جمله شاید اولین بیانی باشد که یک مسئول در شهر گناوه به دست‌اندرکاران تئاتر گفت و شاید همین حرف حکیمانه سبب شد تا جوانان و علاقمندان به هنر والای تئاتر، به کار تئاتر جدی‌تر بنگرند. در همان سالها از آقای رمضان امیری که گروه تئاتر "پروک" بوشهر را هدایت می‌کرد جهت اجرای «افعی طلایی» دعوت به عمل آمد و ایشان نمایش را در محیط باز مدرسه دانش اجرا نمودند که سخت مورد استقبال قرار گرفت. سپس نمایش «من نمی‌خواهم منفجر شوم» به کارگردانی آقای سنایی و بازیگری زنده یاد مرتضی جعفری و آقایان بحرینی و حسینی حقیقی اجرا گردید، تا کمی بعدتر زمینه‌ساز اجرای نمایش «چهارشنبه» نوشته و کار عبدالکریم نیسنی و همچنین نمایش پر خرج و پر صدای «یزدگرد و آسیابان» به کارگردانی مشترک سنایی و بهزادی باشیم. اولین حرکت به سمت تئاتر قومی و اندیشه سنتی در همین سالها انجام پذیرفت و نمایش «عزایم نشینی لیوا» با بازیهای درخشان آقایان سالمی‌زاده، منفرد، داربوی و خانم دانش به مدت چهار شب با اجرایی در خور تحسین بر روی صحنه رفت.

فعالیتهای دهۀ شصت را در گناوه باید سالهای حرکت و فعالیتهای چشمگیر و پویا نامید. هنرمندان تئاتر در این سالها توانستند سازمانها و ارگانها و نهادهای دولتی را که تا آنزمان چندان توجه‌ای به امر نمایش نداشتند به سمت



نمایش « عزایم نشینی » در دههٔ پنجاه

تئاتر جلب کنند و فرصتی فراهم سازند تا هنرجویان بطور مشروح در جشنواره‌های داخلی و خارج از استان شرکت کنند و نتایج مطلوبی نیز بدست آورند. اجرای نمایش «شیخ شهید» نوشتهٔ محسن مخملباف به کارگردانی آقای یزدی و بازیگری آقایان استادیانی، عبدالهی، طیب‌زاده، شهید سهیلی، کبگانی که می‌توان آنرا اولین اجرای دههٔ شصت نامید از آن جمله‌اند، نمایش «قربانی ابلیس» نوشته و کار غلامحسین دریانورد و بازیگری آقایان آبروان، مقاتلی، تهمتن، شهید صلاحی و کبگانی و از همین نویسنده نمایشهای «غزون» و «داغوم سی علی‌اکبر» بکارگردانی عبدالله دشتی‌فرد و نمایش «دادگاه» نوشته مرتضی صادقکار و «نخل سوخته» علی غلامی بکارگردانی عبدالله دشتی‌فرد نام برد. سال شصت و نه، شهرداری گناوه به همت آقای نیسنی دست به تجارب ارزنده‌ای زد و با همکاری یکدیگر تئاتر را در گناوه احیاء نمود که ما حصل آن اجرای «حنابندون» نوشته غلامحسین دریانورد و کار عبدالله دشتی‌فرد بود که سخت مورد توجه تماشاگران قرار گرفت. دومین حرکت خیرخواهانه تئاتر از بنیاد شهید گناوه و به همت برادر تمیمی انجام گرفت که با شرکت در جشنواره شاهد، نمایش «انتظار» به کارگردانی محمد ابراهیم‌زاده‌مطلق اجرا گردید که از جمله کارهای چشمگیر شاهد بود.

فعالیت خواهران در سالهای شصت بسیار فزاینده و ارزنده بود و نشان می‌دهد که زنان بافرهنگ گناوه‌ای چگونه به هنر ارزشمند تئاتر توجه داشتند. خانم زینب غلامی با نمایشهای موفق «یک وارث و دو خون»، «اسرار پنهان»، «اژدهای نامرئی»، «خاطره ده ساله»، «قربانی جهل»، «گمشده» و خانم طاهره صمیمی با نمایش «برتری» و خانم مرضیه بامنیری با نمایش «قفس و یک جو انصاف» و خانم فاطمه اسماعیلی با «انتهای تاریکی» و خانم سهیلا صلاحی با «ریشه در خون» و خانم خواجه‌گیری با نمایش «سرباز گمنام».

دههٔ هفتاد به جرأت دههٔ کاملاً طلایی برای تئاتر گناوه است و شاید می‌توان گفت بیست سال تلاش پایه‌ای و ریشه‌ای به ناگاه شکوفه داد تا این بندر کهنسال به لطف جوانان با استعدادش در جشنواره‌های کشوری بدرخشد و تا جایی پیش رود که در بعضی موارد از حیثیت تئاتر استان دفاع کند. اجرای نمایش خوب و قابل تعمّق «نوجوان، پرواز، کُنار جنی» نوشتهٔ غلامحسین دریانورد و کار عبدالله دشتی‌فرد که نمایش مزبور در جشنواره استانی سوره برگزیده و به منطقه قائم شهر و سپس زاهدان اعزام گردید که در آن جا خانم مهناز جهازی بعنوان بهترین بازیگر زن انتخاب شد و مورد تشویق قرار گرفت. اجرای «حکایت سبز» کار عبدالله دشتی‌فرد و «افسانه سرایی دریا» نوشته غلامحسین دریانورد از جمله کارهای موفق این سالها بوده است. سال هفتاد و دو، انجمن نمایش که محفلی صمیمی و دوست داشتنی بود، تشکیل گردید و در همان انجمن مقرر شد که جشنواره داخلی تحت عنوان تئاتر فجر ساحل ایجاد شود که حاصل آن نمایش «اوخ» و «بچه‌های تابستان» کار محمد ابراهیم‌زاده‌مطلق، نمایشهای «حنجره نی» و «هزار توی هزار» کار حیدر مظفری، اجرای «اشک و جنون» کار فرشید تربیت و نمایشهای «گریه حریص» و «کابوس» کار محمد مظفری، نمایش «مکانیکها» کار حسین خدری و «ستاره‌های خاموش برج زحل» کار محمد ابراهیم‌زاده‌مطلق که موفق شد در جشنواره سراسری فجر در تهران جایزه بهترین بازیگر خردسال را به خانم مریم ابراهیم‌زاده‌مطلق تقدیم نماید. در همین دهه دو نمایش خوب «مگه ما آدم نیستیم» کار حیدر مظفری، و «خیس لحظه‌های بارون و بوی یاس» کار حسین خدری که هردو نمایش را غلامحسین دریانورد نوشته بود در جشنواره استانی درخشید و اجرای «مگه ما آدم نیستیم» پس از انتخاب هیئت داوران، به منطقه خرم آباد اعزام گردید و به دریافت چندین جایزه موفق شد از جمله بهترین بازیگر مرد به جهانشیر یاراحمدی اهدا شد که این نیز افتخاری



اجرای نمایش در دههٔ هفتا

دیگر بر افتخارات تئاتر گناوه افزود.

از شگفتیهای تئاتر گناوه اجرای نمایش عروسکی «لیلی و پیلی» کار خانم توسلی بود که در ششمین جشنواره کشوری شرکت کرد و کسب افتخار نمود. لازم به ذکر است که این نمایش اولین کار عروسکی بود که در استان به اجرا درمی‌آمد.

«با تشکر از آقای عبدالکریم نسیتی برای همکاری در نوشتن این مقاله»

مکتب - سبک - شیوه

«نکاتی پراکنده در باب نوحه‌خوانی و سینه‌زنی»

● علی بهی‌پور

نسیم جنوب، در ایام ماه محرم و صفر، سُنت حسنه‌ای را باب نهاد و آن مصاحبه با بعضی نوحه‌خوانان و دست اندرکاران عزاداری سنتی در بوشهر بود که جای تحسین دارد. با مطالعه آن مصاحبه‌ها، نکاتی به ذهنم رسید که لازم دیدم آن نکات را برای هفته نامه نسیم جنوب بنویسم. در شماره‌ای قبل مباحثی پیرامون سبک و شیوه در مصاحبه‌ها مطرح شد که فکر کردم به تکمله‌ای احتیاج دارد. هر چند مصاحبه‌ها پایان یافته است ولی بحثهای مربوط به آن را می‌توان دنبال کرد که دوستداران و خوانندگان آن را ادامه خواهند داد. ابتدا لازم می‌دانم کمی سبک و شیوه را باز نمائیم تا دچار اشتباه نشویم و خلط مبحث نکنیم. سبک، راه یا طریق است. راهی که شخص یا اشخاصی در طی سالیان دراز کار و فعالیت، به تجربه‌ای می‌رسند و با توجه به زمان و مکان، آن تجربه را به اجرا گذاشته و مورد پسند جمعی قرار می‌گیرد و پیروانی برای خود پیدا می‌کند، اصولاً بر هر تجربه (راه) باید حداقل یک قرن بگذرد و همه گیر شود تا آن راه و وطریق در بین مردمان و اهل فن حضور پیدا کرده و پیروانی برای صاحب سبک پیدا کند. در فارسی گاهی بجای سبک «طرز» نیز بکار می‌برند. مثال:

استاد سخن سعدی است نزد همگان، اما / دارد سخن حافظ طرز سخن خواجو

مکتب جای تدریس و درس و نوشتن است (مکتبخانه). مکتب محلی و مکانی است که سبک از آن مکان شیوع پیدا کرده است. یا صاحب سبک از آنجا ندا در داده است، و فراگیر شده است. به عنوان مثال، در نگارگری ایرانی، مکاتبِ تبریز، تیموری، هرات، صفوی، حکایت از آن می‌کند که هنرمندانی در آنجا یا آنزمان جمع شدند و راهی را پی‌ریزی کردند که بعدها به عنوان سبک معرفی شد و پیروانی پیدا کرد و هنوز نیز پیروانی دارد. گاهی مکتب را به نام شخص نیز می‌خوانند مثل «مکتب کَلهُر» در خوشنویسی. چرا که مرحوم کَلهُر، یک نظام آموزشی را در خوشنویسی بنیان گذاشت. بی‌گمان، هنرمندانی که پیرو یک سبک و طریق هستند دارای زبانی مشترکند ولی نحوهٔ بیان آن‌ها با هم تفاوت دارد که به این نحوهٔ بیان «شیوه» گفته می‌شود. شیوه نحوه بیانی خاص شخص هنرمند است که با توجه به روحیه و مسائل درونی او شکل می‌گیرد. شیوه، در یک کلام «امضای شخصی» است که خصوصیات فردی هر شخص را در امضای او مستتر است. مراسم نوحه‌خوانی در بوشهر همه حول یک سبک و طریق دور می‌زند، و آن «سبک بوشهر» است (نمی‌دانم نام دیگر دارد یا نه؟) این نوحه‌خوانی و سینه‌زنی با سبکهای دیگر و شیوه‌های دیگر در شهرهای جنوبی استانهای همجوار نیز دیده می‌شود. در بوشهر همه خوانندگان نوحه از یک سبک پیروی می‌کنند ولی با شیوهٔ بیانی (گَردهٔ) خاص خود. در اینجا کسی صاحب سبک نیست، صاحب شیوهٔ منحصر به فرد، چرا!. حنجرهٔ هر فرد از لحاظ ساختاری با حنجرهٔ فرد دیگر تفاوت دارد. مگر اینکه دو نفر از «خمیرهٔ» هم باشند مثلاً شیوهٔ پدر به فرزند منتقل شود که حکایت از شباهت ساختاری دو حنجره به یکدیگر است. دیده می‌شود که شخص نوحه‌خوانی «در اوایل راه» تمام حرکات و زیر و بمهای نوحه‌خوان دیگر را تقلید می‌کند. هیچ اشکالی ندارد. در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما مُرید و مُرید پروری از دیرباز بوده است. شخص مُرید تا جایی پیرو مُراد خویش است ولی از یک جای به بعد مرید باید «خود» شود و شیوهٔ خود را پیدا کند ولی اگر خواننده‌ای تمام تلاش و کوشش این باشد که صدایش به صدای فلان خواننده شبیه شود، این خیلی خطرناک است در واقع همان حکایت راه رفتنِ زاغ و کلاغ است. به قول اقبال لاهوری:

نکردم از کسی دریوزهٔ چشم / جهان را جز به چشم خود ندیدم.

مرغ دریایی به سوی تهران پرواز کرد

«مردی ماهیگیر مرغ دریایی را بدست می‌آورد و آن را به پسرش می‌دهد. در روز معلم بچه‌های کلاس هر کدام هدیه‌ای برای معلم می‌آورند و پسر به علت فقر چیزی ندارد که برای معلمش به ارمغان ببرد، بنابراین تصمیم می‌گیرد که...».

این خلاصهٔ فیلم‌نامه‌ای است که توسط عده‌ای از هنرمندان بوشهری جلوی دوربین رفته است. هم اکنون تصویربرداری و مراحل فنی فیلم پایان یافته و برای پخش به تهران فرستاده شده است. عوامل فنی فیلم «مرغ دریایی» بدین شرح می‌باشند:

نویسنده: منصور بهرامی
کارگردان ایرج صغیری
بازیگران: منصور بهرامی، عباس جوادی، احسان جوادی، محسن مکاری‌پور، ایرج صغیری، نصرت زمان‌وادی.
تهیه کننده: محمد سینا (تولید صدا و سیمای بوشهر)
تصویر بردار: جواد رمضانی
تدوین: ایرج صغیری.

به گفتهٔ منصور بهرامی نویسنده و بازیگر فیلم، تصویربرداری و مراحل فنی با موفقیت به پایان رسیده و درکل، فیلم خوبی از کار درآمده است. فیلم مرغ دریایی ... دقیقه زمان دارد.

تفاوت زبان در چهار زمان در بیان تأثری همسان

محمدحسن آرش نیا

چهار مرثیه در مرگ فرزندان خود بوسیله چهار شاعر بزرگ ایران (فردوسی، خاقانی، حافظ، آتشی) در سبکهای متفاوت به ترتیب (خراسانی، بینابین، عراقی، نیمائی) سروده شده که در هر یک از این مرثیه‌ها برای بیان احساس و عاطفه زیباترین و بجاترین و مؤثرترین گزینشها بکار رفته است، هر چند معنی واحدی را القا می‌کنند اما از نظر سطوح مختلف زبانی (سطح آوائی، سطح لغوی، سطح نحوی) و همچنین سطوح فکری و ادبی و عدول از هنجارهای متعارف و نُرم (زبان معیار) تابع عوامل و قوانین پنهانی هستند که تمایز این چهار مرثیه را به گونه‌ای شکل داده‌اند که اگر نام شاعر هم همراه شعر نباشد می‌توان شاعر آن را حدس زد و سبک او را معلوم نمود.

۱- مرثیه‌ای که فردوسی در سن ۶۵ سالگی در مرگ پسرش که در سن ۳۷ سالگی درگذشت سروده است «قرن چهارم و پنجم هـ‌ق سبک خراسانی»

مرا سال بگذشت بر شصت و پنج
نه نیکو بود گر بیازم به گنج
مگر بهره برگیرم از پند خویش
براندیشم از مرگ فرزند خویش
مرا بود نوبت برفت آن جوان
ز دردش منم چون تن بی‌روان
شتابم همی تا مگر یابمش
چو یابم به بیغاره بشتابمش
«که نوبت مرا بود ای کام من
چرا رفتی و بردی آرام من
ز بدها تو بودی مرا دستگیر
چرا چاره جستی زهمراه پیر
مگر همرهان جوان یافتی
که از پیش من تیز بشتافتی»
جوان را چو شد سال بر سی و هفت
نه بر آرزو یافت گیتی برفت
همی بود همواره با من درشت
برآشفت و یکباره بنمود پشت
برفت و غم رنجش ایدر بماند
دل و دیده من به خون در نشاند
کنون -او سوی روشنائی رسید
پدر را همی جای خواهد گزید
برآمد چنین روزگار دراز
کز آن همرهان کس نگشتند باز
همانا مرا چشم دارد همی
ز دیر آمدن خشم دارد همی

۲- مرثیه‌ای که خاقانی در سن ۷۰ سالگی در مرگ پسرش رشیدالدین که در سن ۲۰ سالگی درگذشت سروده است «قرن ششم هـ‌ق سبک بینابین متمایل به عراقی»

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشائید
ژاله صبحدم از نرگس‌تر بگشائید
دانه دانه گهر اشک بیارید چنانک
گره رشته تسبیح زسر بگشائید
سیل خون از جگر آرید سوی باغ دماغ
ناودان مژه را راه گذر بگشایید
چون سیاهی عنب، کاب دهد سرخ، شما
سرخی خون زسیاهی بصر بگشائید
برق خون کز مژه بر لب زد و لب آبله کرد
زمهریری زلب آبله‌ور بگشائید
به وثاق دل من ناله برآرید چنانک
چنبر این فلک شعوذه‌گر بگشائید
دل کبود است چو نیل فلک ار بتوانید
بام خمخانه نیلی به تبر بگشائید
گریه‌گر سوی مژه راه نداند مژه را
ره سوی گریه -کز و نیست گذر- بگشائید
با غم تازه شمائید مرا یار کهن
سر این بار غم عمر شکر بگشائید
آگهید از رگ جانم که چه خون می‌ریزد
خون زرگ‌های دل وسوسه‌گر بگشائید
خواب بد دیدم و از بوی خطرناکی خواب
نیک بد رنگ شدم بند خطر بگشائید
آتشی دیدم کو باغ مرا سوخت به خواب
سرّ آن آتش و آن باغ به بر بگشائید
گر ندانید که تعبیر کنید آتش و باغ
رمز تعبیر زآیات و سو بگشائید
آری آتش اجل و باغ به بر فرزند است
رفت فرزند شما زیور و فر بشگائید
نازنینان منا مرد چراغ دل من
همچو شمع از مژه خوناب جگربگشائید
خبر مرگ جگرگوشه من گوش کنید
شد جگر چشمه خون چشم عبر بگشائید
گلشن آتش بزنید و زسر گلبن و شاخ
نارسیده گل و ناپخته ثمر بگشائید
در دارالکتب و بام دبستان بکنید
بر نظاره ز در و بام مقر بگشائید
سرانگشت قلمزن چو قلم بشکافید
بن اجزای مقامات و سمر بگشائید
ما در ارشد قلم و لوح و دواتش بشکست
خون بگریید چو بر هر سه نظر بشگائید
من رسالات و دواوین و کتب سوخته‌ام
دیده بینش این حال ضرر بگشائید

۳- مرثیه‌ای که حافظ در مرگ پسرش شاه نعمان که در جوانی در شهر برهان‌پور هند در گذشت سروده است «قرن هشتم هـ‌ق سبک عراقی»

بلبلی خون دلی خورد و گلی حاصل کرد
باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد
طوطئی را به خیال شکری دل خوش بود
ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد

قرةالعین من آن میوه دل یادش باد
که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد
ساربان بار من افتاد خدا را مددی
که امید کرمم همره این محمل کرد
روی خاکی و نم چشم مرا خوار مدار
چرخ فیروزه طربخانه از این کهگل کرد
آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ
در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد
نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد

۴- مرثیه‌ای که منوچهر آتشی شاعر معاصر در مرگ پسرش مانلی سروده است

«دل آگاهی»

به یاد مانلی پسرم -این شاخه شکسته
۱- از کوچه‌های چندم می‌آیند اینان...
اینان که راه خانه خود راهم
گم کرده‌اند
(در ساعتی که ما - که در خم این کوچه مانده‌ایم -
نام تمام اخترهای مفقود را از بر داریم)
۲- در کوچه‌های باد به توفان خواهی رسید
در کوچه‌های آه به فریاد و سوگ
....
از باغهای آب، گذاری خورشید وارکن
و در گلوی صاف صدف‌ها
بذر لطیف مروارید را جوانه بزن
۳- وقتی قرار شد تو نباشی
در کوچه باد را دشنام دادم
در باد بادبادک را
۴- که را خطاب کنم
وقتی که می‌گشایم آن دریچه هر روزه را که هر پسین زمستانی. قابی
سرشار از هیاهوی از مدرسه به خانه برگشتن تو بود
که را صدا کنم که نیاید؟
۵- صیاد رنگها
تا چند شاخه فاصله داری با من؟
تا چند گل؟

خاطرات صبح دوشنبه

● سید محمد هاشمی‌فرد

دوشنبهٔ اول
جان را دریای آفتاب می‌شویم
و نیرو یافته از نسیم سحرگاهان
ساحل را می‌پیمایم.
دیوارهای روبه دریا
به «مونالیزا» تشر می‌زنند.
من از نخستین غراب خشکی پیمای عهد دقیانوس،
اتوبوس،
فرود می‌آیم.
آن سوی خیابان
بیش از دویست چشم منتظر
نیامدنم را می‌پایند.
و من رو به خورشید
رو به جانب جبری...
آه... خدایا
مشامم در هم می‌پیچید.
□□ دوشنبهٔ دوم:
فراموش کرده‌ام زرد پوشان چکمه پوشِ بیل به دست
که دل و رودهٔ جوی را در خیابان می‌ریزند
چه بوی غریبی دارند
چکمه‌پوشان بیل به دست
اطو کشیده
واکس زده، معطر
به جانب همان دویست چشم بیقرار
قدم برمی‌دارم
دوباره اما
جبری عُق می‌زند در خیابان
□□ دوشنبه دهم:
کیف در دست و کوله بار بر دوش
به سوی چشم‌های مضطرب
خدایا!
این زردپوشان بیل به دست
در طلسم کدام نفرینند
چگونه زیر مشام دبیرستان نوّاب
بیخ چشم فرهنگ
دوشنبه‌ها:
جوی دل زیر و زبر شرهٔ خود را بیرون می‌ریزد
و پنجشنبه‌ها:
باطن خشکیده‌اش را می‌بلعد؟
□□ اولین،
دومین،
و شاید هزارمین پنجشنبه
دارایی خیابان به جوی برمی‌گردد
و غبار تعفن پراکنده
ارزانی ما
عابران سر به زیر
کاش سطح آشکار جوی های متعفّن نیز
مثل دیوارهای روبه دریا
دستخوش احساس نقاش زبردستی می‌شد
تا «مونالیزا» را
در جبری
بیخ گوش دبیرستان نوّاب
تشر بزنند.

بهار در راه

● روجا چمنکار

آنسو نشسته‌ای
در حجمی از ستاره و خاکستر
و دستهای خالی باران را از ترنّم نمناک بودن
پر می‌کنی
آنسو نشسته‌ای زیر نفس‌های سبز نخل
و آتش گرفته است چشمان روشنت
به کجا آیا
پرواز می‌دهی رویاهای پولکی‌ات را
که این فرسودگی همه جا را پوشانده
است
به کجا آیا
خیره مانده‌ای؟ که این فرسودگی ...
اینسو نشسته‌اند
به تماشای خاکستر
و بارش یکریز اشک بر دیوار کاهگلی
گونه‌هایت
و بهار در راه، تنها یک شایعه بود

در شماره قبل به اشتباه شعر «شبانه» به نام روجا چمنکار به چاپ رسید. این شعر از حبیب جاسمی است که بهمراه مصاحبه وی با چمنکار به دفتر نشریه ارسال گردیده بود و از این رو به اشتباه به نام چمنکار به چاپ رسید. در این شماره شعری از روجا چمنکار به چاپ می‌رسد.

نگاهی گذرا بر شعرهای نسیم جنوب

از پیش شماره ۱ تا پیش شماره ۱۱

«عباد بوشهری»

پیش‌شماره‌های اول و دوم شعر ندارند، پیش شماره سوم، اما، چهار شعر دارد: "آبشار زندگی"، "از آب آبی‌تر"، "پنجره" و "شاید بخاطر..." دو شعر اول غزلند با تعابیری تکراری مثل باغ دلتنگی، نگاه آئینه، پرچین خیال، رویش اندیشه، غبار تیره، پیچک عصیان، گوهر بشتاب و... که چیز تازه‌ای ندارند. در "آبشار زندگی" ترکیب "در میان باغ دلتنگی" جا گرفته است که گذشته از تکراری بودن تعبیر "باغ دلتنگی" واژهٔ "میان" زائد است، نیز کلمهٔ "ابرها" که در مصرع دوم از بیت چهارم آمده صحیح‌تر آن بود که "ابر" باشد.
در شعر "پنجره" صفت "خیس" برای "بنفش" آمده که نابجا است.
در پیش شماره چهارم: شعر "عکسهای یادگاری": ترکیب "اقیانوس باران" بیتِ برق عشق افتاد در جانم که اقیانوس باران ماه را خندیدم و خورشید را در سوگواری این شعر را برای خواننده (یا شاید فقط من) نامفهوم می‌کند و معلوم نیست چه می‌خواهد بگوید. شعر "زاغ": اگر چه بیان دلتنگی شاعر است از ناشنیده ماندن طنین روشن جان زاغ، اما، انشاء دانش‌آموزی را می‌ماند در دورهٔ راهنمائی و گوینده دلخور است که سبوی نمدار شیر گوارای سبزینه دارد و تنگهای بلورین آب ناب. شعر "زخم شقایق": هر چند آوردن حرف ربط "و" در اول مصراع غزل نازیبا جلوه می‌کند، و تعابیر همان تعابیر تکراری است، لیکن، درمی‌یابیم که پرستوها همه در شب پرواز می‌کنند. ببینید: "پرستوها همه دیشب لب پرواز بوسیدند" شعر "اسفند": بیان تنهائی و خستگی از ماندن در چهار دیواری است. در هوای آزاد، وقت غروب و نم نم باران، قدم‌زنان، از خاطره‌های دور گفتن لذتی دارد، اگر او را که می‌خواهی بیاید. "اسفند" شعری است که می‌توانست بهتر از این باشد، اگر شاعر می‌خواست.
شعر "زن ذلیل": سه شماره دیگر نشریه را به خود اختصاص داد. هیاهوی بسیار بر سر هیچ، با ناسزا و هتک حرمت. حقیقت را در مورد شعر به زور می‌توانستی میان آن همه ناسزا پیدا کنی.
شعر "طرح": بیان نومیدی است و اینکه راهگشایی نیست. اعلام جاودانگی حضور بختک است و شلاق ظلمت بر گردهٔ نور.
شعر "از یادها رفته‌ایم": بازی با چند واژه و با زهم نومیدی و نومیدی. کسی که کاری نکرده است توقع ماندگاری در یادها را دارد، بی‌آنکه بداند هرگز نمی‌میرد آنکه دلش زنده شد به عشق و چون از یاد رفته است، نومید است.
شعر "بندر تبعیدی" شعری است قوی و تابان میان شعرهای نشریه. منظومه‌های حماسی را، آتشی، همیشه محکم سروده با تصویرهای ناب. "نقش‌هایی بر سفال" یا... که آنها را حدود ۲۵ سال پیش سروده، هنوز هم پرتوانند و جذّاب، و حتماً ماندگار در ادبیات. شعرهای "تنفس"، "اذن اذان"، "پرنده آتشی" و "آرزو تاکی". چهار غزل که تازگی ندارند و مخاطب را از زخمهای ناپیدائی می‌گویند که نه ناسورند و نه خونچکان. دردی اگر هست عقدهٔ یک عمر کوچکی است و زخم پر قناری، هر چند شاعران‌شان از جنس آتشند و ضربهٔ نیلوفری رگبار.
شعر "کلنگ گل": شعری سروده شده در ۳۶ سال پیش، اما، هنوز با طراوت و شاداب. مثل گل لطیف. پیش شمارهٔ پنجم شعری ندارد.
در پیش شمارهٔ ششم، شعرای در نگاهت راز دریا": غزلی که به دل می‌نشیند و تقریباً دور از کلیشه معمول.
شعر "بازگشت": چهار پاره‌ای یادآور چهار پاره‌های نوجوانی فروغ فرخزاد، اما، نه با آن صراحت و بی‌پردگی.
شعر "تنها": انشاء گونهٔ تنهائی شاعر است و ابراز اندوه خو گرفتن به مرگ ستاره‌ها و... پائیز و... تاریکی(همگی تکراری و کلیشه‌ای). شعر "خاک مهربانان": شعری پر از تعابیرند شیراز و ملاّی روم، از تازگی و طراوت شعرهای این بزرگواران، اما، تهی. شعری احساساتی، انگار نوجوانی - با قهر معشوقه - در مرگ مهربانی نوحه سرکند. تعبیرهای تکراری دشنهٔ نگاه، خنجر فریب و... مرحوم نعمتی‌زاده در این حال و هوا، چهار پاره‌ای دارد:
لنگر برگیر ای به ساحل پا بند/ گردن کشتی به بند دریا بسپار
بدرقهٔ راه مانه اشک نه پیغام/کس ندهد بوسه کس ندارد تیمار...
"خاک مهربانان" تا پختگی شعر نعمتی‌زاده یا ... راه درازی دارد.
شعرهای "نسخهٔ درد مندی" و "نبض زمان": دو شعر از عبدالمجید زنگوئی، غزل "نسخهٔ درد مندی" محکم و پر بار، دلنشین و آینهٔ حرف خواننده. "نبض زمان"، لیکن، به آن نمی‌رسد و نبض زمان به پیش می‌راند، اما، "نبض زمان"...
در پیش شماره هفتم، "غزل": غزلی است در وزن و تقریباً ردیف غزل مشهور قلندر شیراز با مطلع "واعظان کاین جلوه در..."، با تعابیری از آن بزرگوار، چون "آبی که دلها را توانگر می‌کند." غزلی تازه و ناب. همیشه غزلهای آتشی چنین بوده، حتی غزلهای اولیه‌اش مثل غزلی با مطلع
"شیشه عشقم وبر سنگ مبادازنیم /بحلم‌درکف پای تواگر بشکنیم"
شعر "باران بهاری": شعری از زبانگ - را - باین. از امیدی می‌گوید که در روزی بهاری با ابرهای شیری سر گریز دارد. صدایی آشنا، شاعر را، فرا می‌خواند. بهار است. شاعر نفس خوشبوی گلها را احساس می‌کند. در را می‌گشاید. چیزی نمی‌یابد. انگار بیهوده انتظار می‌کشیده. فقط درماندگی جاری است و بارانی که مثل اشک می‌بارد. پیش شماره هشتم شعری ندارد.
پیش شمارهٔ نهم، شعر "عاشورایی‌ها": واقعه جانسوز کربلا و پی‌آمد آن در چهار پرده به انضمام هشداری به خود شاعر (یا خواننده و شنونده) که: "اندوهت باد اگر از مظلومیت کاروان کربلا باز مانی". شعری کامل. از تشنگی تا اسارت. تابلوئی گویا.
در پیش شماره دهم، شعر "گل حسرت": غزلی با وزن و قافیه غزل حافظ بزرگ، با مطلع "از من جدا مشو که توام نوردیده‌ای". نوحه‌سرائی بر باد رفتن عمر و حسرت ناچیده‌ها. در مصرع دوم از بیت دوم علامت مفعول "را" حذف شده که می‌توانست باشد: "بلبل بخوان! تو شیون گلها شنیده‌ای". اگر می‌سرود "بلبل بخوان! تو شیون گل را شنیده‌ای"، چه می‌شد؟ (مصرع صحیح می‌شد.)
شعر "رویای سرد": سخن از گریز یک نفر دلگیر از دلهای سرد را دارد. احساساتی و نومیدانه با همان تعابیر تکراری: شاعر خسته، دنیای سرد، گمگشتگی و... .
شعر "ما را": شعری ناپخته و باز هم با همان تعابیر تکراری: ضیافت رنگین، چک چک باران، گیسوان ابر...
پیش شماره یازدهم، شعر "ماهی تنگ بلور": وقتی که خواندی از ترانه‌ای یاد می‌آری که سالها پیش در هر خیابان از نوار فروشی با صدای بلند به گوش می‌رسید: "ماهی تنگ بلور/ خواب دریا می‌بینه." و شاعر گفته است "ماهی سرخ در این تنگ بلور/ هوس رفتن دریا دارد." از مصراع "گاه در نی لبکش می‌نوازم آرام" نیز شعر "تولدی دیگر" پریشادخت شعر در ذهنت بیدار می‌شود: "من پری کوچک غمگینی را...". شعرهای "قبض روح" و "باغ سکوت": شعرهایی که حرفی ندارند جز اینکه شاید شاعرانشان در آینده شعرهایی بگویند بحث انگیز.

قلب سرخ من برای خاتمی

زهرا کردو - سال سوم
دبیرستان زینبیه بوشهر

قسم به سکوت سحر. قسم به ظهور صدا و قسم به پیدایش امتداد. صبح در توان قلمی نمی‌گنجد تا بتواند سیدی وارسته را معنی کند. حضور آبی آسمان در مقابلش شرمنده می‌گردد. آنگاه که زیبا می‌خندد راز صداقت معنی می‌شود. وقتی سیدی بی‌ریا سوی تو گام برمی‌دارد آهسته آهسته سوی زمان مخلصیت نزدیک می‌شویم. خاتمی یک لذت یک نیایش. خاتمی یعنی سپاس یک آسمان ستاره. یعنی مفهوم یک نماز شب. یعنی منتظر انتظار. خاتمی یعنی پدر، مهربان، دوست داشتنی. یعنی صاحب تمام روزهای طلایی. خاتمی یعنی پیدایش دوم خرداد. حضور باصلابت ایمان. دوم خرداد یعنی که جوانان نیز در این کشور نقش دارند. دوم خرداد یعنی حرفهای جوانان را با دل و جان شنیدن. دوم خرداد یعنی لمس مظلومیت علی (ع)...

وقتی خاتمی ظهور کرد ایران امیدوارتر سوی تحول‌های نوین پیش رفت. وقتی او مخلصانه با جوانان محروم ومستضعف روستای اردبیل و یا بی‌سرپرستان مدرسه شبانه‌روزی فدک سخن می‌گفت آسمان نیز بی‌ریایی فرزند زهرا (س) را اعتراف می‌کرد. وقتی گفت جوانان امیدان ایرانند، شور و هیجان جوانان برای سازندگی دوچندان شد. براستی که اینک کسی آمده است که جوانان را بی‌مقدمه باور داشت. کسی آمده بود که با زبان جوانان به خوبی آشنا بود. او آنقدر پاک و مظلوم است که هرگاه چهرهٔ پر از تبسمش را می‌بینم احساس می‌کنم معنویت در توان او دریایی سترگ است و به واقع نیز چنین است. وقتی خاتمی آمد دیگر جوانی در این کشور غریب نماند. همه احساس کردند با هویت شده‌اند. وقتی خاتمی آمد سکوت دیگر معنایی نداشت همه در تکاپو و تلاش برای بیان نظریات خویش بودند چرا که سید پیش از آن گفته بود این جامعه مدنی است و همه در آن حق اظهار نظر دارند. وقتی خاتمی آمد یاد گرفتیم که انتقادپذیر باشیم. نظرات مخالف و موافق را بشنویم و اندیشه را با تفکری منطقی پاسخ دهیم.وقتی خاتمی آمد دلها به تسخیر او در آمد.

خاتمی تنها، رئیس جمهور نیست. او اسطوره، سرمشق، الگو، پدر و استاد همهٔ ما است.

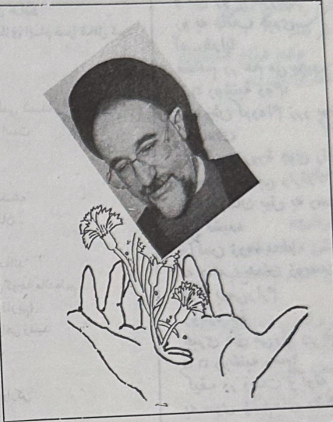
دوست خوب جوانم! نمی‌دانم تا چه اندازه در خاتمی دقت کرده‌ای، اما من از دوم خرداد ۷۶ تا دوم خرداد ۷۷ راجع به او اندیشیدم و دریافتم که بی‌نظیر است. در چشمان خدایی‌اش اعتقاد به معنویت موج می‌زند. در دستانش گویی هزاران ستاره نهفته است. در واژه واژهٔ کلامش هزاران معنی پنهان است و در نداهایش صدای عشق شنیده میشود. می‌دانم که قلب تو و من برای خاتمی می‌تپد. می‌دانم تو و من آنقدر او را دوست داریم که بعد از هر نماز برای سلامتی و سربلندی‌اش دعا می‌کنیم. می‌دانم تو و من آنقدر او را دوست داریم که هرگاه دلمان برایش تنگ می‌شود نگاهی ممتد به عکسش که بر دیوار اتاق نصب شده می‌اندازیم تا با دیدن چهرهٔ نورانی‌اش دلتنگی‌هایمان را از یاد ببریم. می‌دانم که... .

و اما رئیس جمهور عزیزم، سلاله پاک رسول و سردار قلم و اندیشه.

سلام. می‌دانم که این نوشته هیچگاه به دست شما نخواهد رسید ولی دوست دارم از طریق نسیم جنوب که همگی ارادتمند این نظامند با شما سخن بگویم.

پدر مهربانم! می‌دانم که گاهی طوفانی نظرات بدور از منطق مخالف خوانیهای انسانهایی کوته اندیش قلب سرخ و پاک و بی‌گناهتان را به درد می‌آورد. می‌دانم که با صبر علی گونه‌ات تنها در مقابل اینان سکوت کرده‌ای و در عمل با تک تک اعمال روحانی‌ات آنان را به خویش می‌خوانی. می‌دانم که گروهی سزاوار و شایسته مهربان و زاهدی مثل تو نیستند. اما ما جوانان دوستدار توئیم.

آنقدر دوستت داریم که تمام دارائی‌هایمان را بی‌صدا تقدیمت می‌کنیم . تمام هویّتمان را که در دوم خرداد بعد از مدتها یافته‌ایم نثارت می‌کنیم. خاتمی! قلب سرخ ما برای تو. سنگ صبور جوانان و آزادمرد متفکر:



همانطور که همهٔ عاشقان و دوستداران تو می‌دانند بعد از دوم خرداد حامیان خاتمی در معرض تهمتها و آزار و اذیتهای گروهی مجهول صفت قرار گرفتند. اما تنها برای اینکه سیدی را پر از ایمان و مخلص می‌دانستند هیچگاه در مقابل این کوته نظریها تسلیم نشدند. رئیس جمهور محبوبم! در این استان نیز عده‌ای به جرم عشق به فرزند زهرا (س) مجازات می‌شوند اما هیچ زمان ایمانشان به خاتمی کم نشده و نخواهد شد. استاندار عزیز این استان که فردی متعهد و انقلابی است در همایشی با جوانان ضمن بیان اینکه چادر حجاب برتر است می‌فرمایند پوشیدن چادر برای خانمها (دانش‌آموز، دانشجو، کارمندو ...) اجباری نیست چرا که لا اکراه فی دین. و این جملات که به مزاج گروهی خوش نمی‌آید بهانه‌ای برای داد و فریاد می‌شود... . اما دلم می‌خواهد از اینان بپرسم تا قبل از انتصاب آقای دکتر انصاری به سمت استاندار بوشهر تاکنون چند جلسه پرسش و پاسخ برای جوانان در این استان بوده است؟ دوست دارم بپرسم که تا قبل از ریاست آقای زرین‌فر به سمت مدیر کل آموزش و پرورش کدامین مشکل دانش‌آموزان با مراجعه به آموزش و پرورش حل می‌شد؟ کدامین رئیس آموزش و پرورش آمد و گفت که دانش‌آموزان محترم چه مشکلاتی دارید که زرین‌فر اینگونه گفت؟ دوست دارم بپرسم که آیا می‌دانید امام جمعه این استان تاکنون چه زحماتی برای این استان نکشیده‌اند؟ آیا می‌دانید همهٔ بازارچهٔ مرزی که نقش بسزائی در اقتصاد این استان دارد حاصل کوشش و درایت همان امام جمعه بوده است؟ براستی چرا قلب این مؤمن را بدرد می‌آورید تا آن‌جا که در خطبه‌های نماز جمعهٔ (۷۷/۳/۸) به شما گلایه کند و بگوید اشک مرا در آوردید... .

جوانان عزیز و دوستان خوبم چه زیبا است اگر بتوانیم با منطق و درایت پاسخ یکدیگر را بدهیم چه زیبا است آنگاه که در مدینه‌ای فاضله با پرخاش به هم توهین نکنیم. پس بیائیم پیوندی محکم به مثل پیوند اتصال دوم خرداد ۷۶ با سلاله پاک زهرا(س) ببندیم و اجازه ندهیم کوته‌نظرانی قلب نازنین او را به درد آورند و با هم یکصدا بگوئیم خاتمی دوستت داریم.



مقداد همرایان‌پور
کلاس چهارم معدل ۱۹/۵۱ دبستان ابومسلم باتشکر از مدیر دبستان



آتنا آتش‌فراز کلاس دوم معدل ۲۰ دبستان خدیجه کبری با تشکر از آموزگار محترم خانم خرده‌بین



سیداحمد هاشمی‌پیکر
کلاس چهارم معدل ۱۹/۳۱ دبستان امام جعفرصادق





مریم امیری
کلاس دوم معدل ۲۰
دبستان حافظ با تشکر از خانم آزادمهر



نیلوفر آبروان
دبستان شاهد دختران
کلاس اول معدل ۲۰



فرشته جاشو
کلاس سوم معدل ۱۹/۹۷
دبستان ۱۵ خرداد

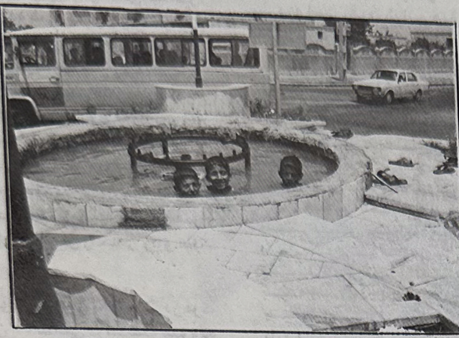


امید زارع
کلاس اول با معدل ۲۰ با تشکرازخانم پوریوسف

دریغ از امکانات تفریحی - ورزشی

● جلیل گلستانیان (چغادکی‌زاده)

دریک ظهر گرم بوشهر جهت خرید روزنامه از منزل خارج شدم و به مقصد فلکه شیلات که یک دکه روزنامه فروشی (نشریات) موجود است به راه افتادم، پس از خرید روزنامه متوجه صحنه‌ای گشتم که در عین اینکه بسیار عجیب می‌نمود، تأسف و تأثری زیاد بر جان هر فرد منطقی و واقع‌بینی می‌گذاشت و این سؤال را در ذهن هر بیننده‌ای تداعی می‌نمود که چرا می‌بایست کودکان علاقمند به تفریحات سالم در این شهر، از تفریحات مورد علاقه خود در این شهر به دور باشند. آن هم تفریح و ورزشی چون شنا.در کمال تعجب رهگذران چند بچه کوچک داشتند در حوضچه فلکه شیلات شنا می‌نمودند.



بیشتر تعجب من و سایر رهگذران از این مطلب بود که در شهری چون شهر بوشهر که در آن جایگاه مخصوصی در ساحل دریا برای تفریح عموم گذارده‌اند، چرا می‌بایست این چنین صحنه‌هایی دیده شود و صد البته که، دارای جایگاه ساحلی خاص برای شنای علاقمندان می‌باشیم. لیکن آیا تمامی موارد ایمنی را رعایت نموده‌ایم؟ به درستی جواب سؤال ما مشخص و واضح است، حال چگونه یک شهروند به خود اجازه دهد و به چه اطمینان فرزند دلبند خود را به آبها و امواج جدّی و خروشان ساحل خلیج فارس بسپارد؟

آنگاه که نظری به مساعدت مسئولین شهر می‌اندازیم، درمی‌یابیم که آنان به داشتن یک عدد استخر آن هم خارج از شهر و با داشتن هزینه‌ای بالا اکتفا نموده‌اند،اما آیا این جوابگوی این همه علاقمند به رشته پرتحرک و جذاب شنا می‌باشد؟

امید است مسئولین زیربط با توجه به تعطیل بودن مدارس در تابستان و فرا رسیدن فصل گرما که در پیش رو داریم نسبت به این مسئله مساعدت بیشتری را معطوف نمایند تا دگر بار هیچکس شاهد صحنهٔ تأسف برانگیز شنای چندین کودک در حوضچهٔ فلکه‌های شهر نباشند، حال عکس گویای این مسئله می‌باشد که چرا و به چه علت این کودکان که می‌بایست لااقل در کلاسهای تابستانی و فعالیتهای فرهنگی در این فصل شرکت کنند در آب متعفن و گل‌آلود و پر از میکروب این فلکه شهر مشغول به شنا می‌باشند. آیا نباید به فکر چاره‌ای بود؟ آیا والدین این کودکان از این مسئله اطلاع دارند؟

چگونه باید آنها را از این سهل‌انگاری بسیار خطرناک آگاه نمود. به عنوان یک شهروند و عضو بسیار کوچک این شهر از مسئولین می‌خواهم که اقدام لازم را جهت گسترش دادن امکانات تفریحی و ورزشی درمیان کودکان و نوجوانان داده تا شاهد ، چنین صحنه‌های تأسف‌باری نباشیم.

تخصص و ورزش

محمد سیدزاده

ورزش تخصص است اگر شما نقاش زبردستی باشید، آشنایان دور و نزدیک و قدیم و جدید به مجردی که فرصت پیدا کنند،در مورد نقاشی و طراحی با شما صحبت خواهند کرد و هر کس به فراخور حال خود موضوعی را در ارتباط با نقاشی مطرح خواهد کرد و بنا بر علاقه خود از هر دری وارد می‌شود تا به جواب پرسشهایی که دارد برسد، یا آنچه معلومات از نقاشی در چنته دارد عرضه کند تا خود را مطرح سازد و یا رهنمودی بخواهد و بر معلوماتش بیفزاید.

اما در مورد والدین کمی فرق می‌کند، زیرا آنها روی محبتی که خداوند از فرزند در وجود آنها نهاده، در تلاشند تا از هر رهگذری راهی برای پیشرفت هر چه بیشتر فرزندانشان بجویند و بر این پایه است که از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. شاید با خواندن این مقدمه، این سؤال برای شما پیش آید که این مسائل چه ربطی به ورزش دارد. قدری تحمل کنید تا به اصل قضیه و ارتباط آن بپردازیم.

از آنجاکه در میان ده کوره‌ها علی آباد هم شهری به حساب می‌آید،گاه افرادی امثال حقیر در رابطه با این که فرزندانمان چه ورزشی می‌کنند، چگونه، و با چه برنامه‌ای؟هیچ وقت از خود سؤال نکرده‌ایم یا نخواسته‌ایم یا اینکه توجه نداشته و نداریم، دلمان خوش است که فرزندمان ورزش می‌کند، مشغول است. آیا تا به حال از کسی سؤال کرده‌اید، در مورد اینکه در خصوص ترک ورزش چه نظری دارید. شاید برای شما این سؤال پیش آید، یعنی چه، ورزش کردن که این حرفها را ندارد.

لازم است برای رفع این شبهه توضیحاتی داده شود که بنظر می‌رسد این توضیحات برای بسیاری از مربیان و حتی کسانی که مسئولیت جایی را در امر تربیت بدنی و ورزش پذیرفته‌اند، اما توجهی که به آنچه که علم می‌نامیم، ندارند یا به این امر کم توجه‌اند نیز لازم است.

در ابتدای این توضیح باید به پرسش چه ورزشی و چگونه؟ عبارتی مثل «برای چه کسانی»؟ در کجا و به چه مقدار؟ بیفزائیم. عده‌ای گمان دارند که می‌توان برای همه یک ورزش، یک برنامه، یک موضوع یا یک حرکت را پیشنهاد کرد،در صورتیکه برای نوزادان، خردسالها،کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان، کهنسالان، قوی بنیه‌ها، ضعیف بنیه‌ها، سالمها، مریضها، زنان، مردان و ... .

یک موضوع، یک برنامه و یک حرکت را برای شروع توصیه می‌کنند، که این چنین نیست. بعد از این مقدمه طولانی به این نکات باید توجه کرد که آیا برای انجام ورزش یا آموزش دادن تخصص لازم است؟ اصولاً ورزش نیاز به تخصص دارد یا خیر؟ خواهر و برادر عزیز! ورزش هم مقدمه‌ای دارد، ابتدا و شروعی. دقت بفرمائید، هیچکس را به صرف اینکه در سنین بالای عمر است به دانشگاه راه نمی‌دهند، مگر اینکه دوره‌هایی را بگذارند و در مسابقه ورودی صلاحیت خود را ثابت کند. در ورزش هم همین شکل است اصولاً مقدمه کار ورزش و به اصطلاح امروزی کلاس آمادگی ورزشهای پایه‌ای و شروع هر کار ورزشی.

پس هر کس بنا به استعدادهایی که بروز می‌دهد و بنا بر وقتی که صرف می‌کند، بنا بر تلاشی که بکار می‌برد دوست دارد به مدارج بالاتری دست پیدا کند و ما هم به عنوان مربی او در تلاش هستیم تا با آموزش لازم، او به مدارج عالی دست پیدا کند. بنابراین اول باید به اصول علمی توجه نمود. باید برای بدست آوردن توانائی‌های لازم تلاش نمود و برنامه‌ریزی کرد. اینجا است که نیاز به دانش، نیاز به جستجو و کنکاش در مورد رشته مورد نظر شروع می‌شود. پس هر مربی تلاش می‌کند که ورزشکارش در رشته مورد نظرش رشد پیدا کند و به مدارج بالاتری دست پیدا کند، آیا بدون داشتن تخصص می‌شود به این امر مهم دست یافت؟ آیا ورزش نیاز به تخصص ندارد؟ مربیان رشته‌های ورزشی ما تا چه اندازه در رشته‌های مورد نظر خود تخصص دارند؟ مربیانی که به عنوان آموزش دهنده فرزند من و شما هستند تا چه اندازه دانش در آن رشته دارند، بحث ما این است که آقائی که به عنوان معلم و مربی در سالنها و مکانهای ورزشی مشغول آموزش هستند، تا چه اندازه در رشته مورد نظر خود صاحب تجربه هستند، بعنوان مثال فرصتی پیدا کردید بروید به سالنها و مکانهای ورزشی ببینید بچه‌ها در چه شور و حالی مشغول آموختن هستند و نکتهٔ آخر اینکه مربیان و متولیان ورزش تا چه اندازه با تخصص به برنامه‌های خود می‌نگرند؟ در شماره اینده در مورد اینکه چگونه به ورزش و به چه رشته‌ای بپردازیم تانتیجه‌مطلوب‌بگیریم سخن خواهیم گفت.



رئیس جمهور در دیدار با اعضاء تیم ملی فوتبال:

ورزش به ویژه فوتبال عامل بروز وحدت و همبستگی ملی است

اعضای تیم ملی فوتبال با آقای سید محمد خاتمی رئیس جمهور دیدار کردند. رئیس جمهوری در این دیدار ضمن اشاره به سابقه درخشان ایرانیان در ورزشهای انفرادی گفتند: ما مشهور هستیم که در ورزشهای فردی به مراتب، بیش از ورزشهای جمعی برجستگی و موفقیت داشته‌ایم و این مسئله در سایر جهات نیز دیده می‌شود، متأسفانه این معضل بزرگ جامعه ما است.اگر ما توانستیم همدیگر را در استقرار یک نظام خوب و منسجم یاری کنیم موفق می‌شویم. متأسفانه ماکم تحمل هستیم و این کم تحملی ناشی از یک بیماری تاریخی است.

آقای خاتمی با اشاره به اینکه همبستگی اجتماعی و تکافل اجتماعی که مهمترین دستورات اسلامی است مورد غفلت قرار گرفت افزودند: ما امروز هم خیلی نمی‌توانیم همیدیگر را تحمل کنیم، فکر می‌کنیم مخالف همدیگر بودن یعنی دعواکردن. ما باید یاد بگیریم که همدیگر را تحمل کنیم. ما باید یاد بگیریم انسانها اختلاف نظر دارند ولی انسانیت حکم می‌کند با هم گفت و گو کنند و قاعده بازی داشته باشند نه اینکه هر کس بکوشد نظر و سلیقه خود را بر جامعه و دیگران تحمیل بکند و قانون، ضابطه بازی ماست.

رئیس جمهور با اشاره به آثار سوء دیکتاتوری در تاریخ و ایجاد روحیه انزوا و فردگرایی در کشور گفتند: امروز به برکت انقلاب اسلامی همه باید بکوشیم یکدیگر را تحمل کنیم و این اصل را در تمام ابعاد رعایت کنیم و ورزش می‌تواند نمونه‌ای خوبی در این جهت باشد. رئیس جمهور در سخنان خودگفتند: هر کجاکه هستید به یاد ایران باشید، سربلندی ایران را بخواهید، ایران در تاریخ خیلی عظمت داشته است.

آقای خاتمی در پایان گفتند: ورزش به ویژه فوتبال عامل بروز وحدت و همبستگی ملی است و باید از ورزش برای تثبیت و تحکیم وحدت ملی در جامعه استفاده بکنیم.

احمد رزمی
پیشکسوت فوتبال

مسابقات جام جهانی می‌تواند کلاس فوتبال برای ما باشد

احمد رزمی یکی از پیشکسوتان فوتبال استان در ارتباط با مسابقات فوتبال جام جهانی گفت: کل بازیها تا این لحظه دیدنی بوده و هر یک از این مسابقات می‌تواند یک کلاس خوبی برای فوتبال ما باشد. فوتبال پستی و بلندی‌های بسیار دارد و تیمهای خوبی چون دانمارک، ایتالیا، آلمان، نیجریه، انگلستان، آرژانتین در عین شایستگی از دور مسابقات حذف شدند.

وی اضافه کرد: کرواسی تیم پرقدرت این مسابقات تا این مرحله خوب پیش آمده اما در برابر فرانسه مشکل خواهد داشت و کفه ترازو به سود میزبان خواهد بود و دیدار هلند و برزیل ۲ بر ۱ بسود برزیل خواهد بود هر چند که هلند تیم شایسته این مسابقات است.

حاج محمد دوانی
مربی فوتبال

جام جهانی آزمونی برای مربیان و بازیکنان برتر

محمد دوانی یکی از مربیان پرتلاش فوتبال استان در زمینه برگزاری مسابقات فوتبال جام جهانی فرانسه گفت: «مسابقات جام جهانی علیرغم اینکه با تعداد ۳۲ تیم برای اولین بار برگزار شد ولی کیفیت آن تا این لحظه خیلی خوب بوده و تیمها در این مسابقات همیشه با برنامه شرکت می‌کنند و هیچ تیمی بدون برنامه نخواهد بود زیرا فوتبال جام جهانی آزمونی است برای بازیکنان و مربیان برتر جهان»

وی در ادامه افزود: با توجه به صعود چهار تیم کرواسی، هلند، برزیل و فرانسه به مرحله نیمه نهائی مسابقات، باز نمی‌توان پیش‌بینی کرد چه تیمی و با چه نتیجه‌ای پیروز میدان خواهد شد. همانطور که کمتر کسی فکر می‌کرد کرواسی جزء تیم‌های برتر باشد. به هر حال با توجه به میزبانی تیم فرانسه شانس فرانسه برای رسیدن به فینال بیشتر از کرواسی خواهد بود و برزیل نیز در برابر هلند روز سختی خواهد داشت.

حاج حسین وردیانی
رئیس هیئت فوتبال استان بوشهر:

فرانسه و برزیل، فینالیست

حسین وردیانی در ارتباط با مسابقات جام جهانی گفت: «تیمهای شرکت کننده در جام جهانی نشان دادند که سطح اختلاف فوتبال مثل گذشته نیست و تیمهای آفریقائی و آسیایی خود را به عنوان تیمهای قدر و حتی فراتر، به عنوان مدعی می‌توانند معرفی کنند.»

به نظر رئیس هئیت فوتبال استان بوشهر «جای انگلستان و آرژانتین علیرغم حذف از مسابقات، در مرحله نیمه نهائی خالی است»

وی در ادامه افزود:« فرانسه و برزیل برگزار کننده دیدار پایانی مسابقات خواهند بود زیرا فرانسه به روال عادی پیروز میدان خواهد شد با نتیجه ۲ بر ۱ و در جنگ قدرت و تکنیک با تاکتیک، قدری و تکنیک پیروز خواهد شد و تیم برزیل دو بر صفر هلند را شکست خواهد داد.»

استقلال، قهرمان فوتبال تنگستان

استقلال بنه‌گز قهرمان مسابقات فوتبال سراسری شهرستان تنگستان شد.

در دیدار پایانی مسابقات فوتبال سراسری شهرستان تنگستان که در ورزشگاه شهدای اهرم برگزار شد. تیم استقلال بنه‌گز موفق شد با نتیجهٔ ۲ بر ۱ در برابر تیم ایرانجوان اهرم به پیروزی دست یابد و عنوان قهرمانی این دوره از مسابقات را از آن خود کند.

شایان ذکر است تیم استقلال بنه‌گز به عنوان نماینده تنگستان به مرحله مسابقات سراسری استان راه یافت.

غلامرضا چاهی بفش
مربی تیم ایرانجوان بوشهر:

کرواسی پرقدرت

مربی تیم ایرانجون در ارتباط با مسابقات جام جهانی گفت: «کلاً مسابقات در سطح بالایی در حال برگزار است و دیدیم که تیمهای به اصطلاح ضعیف چطور با قدرت در میدان حاضر شدند.

وی د رارتباط با تیمهای انگلیس و آرژانتین گفت: «این تیمها استحقاق حضور در مرحله نیمه نهائی مسابقات داشتند و تیم مسن آلمان تا این مرحله نیز خوب پیش آمد وشکست این تیم دونده و پرقدرت،کرواسی دور از انتظار نبود.

وی اضافه کرد: فرانسه یک بر صفر کرواسی را شکست خواهد داد و هلند دو بر صفر برزیل را مغلوب می‌کند، و قهرمانی نیز به نام فرانسه ثبت خواهد شد.

برگزاری مسابقه قهرمانی آزاد تکواندو

یک دوره مسابقه قهرمانی آزاد تکواندو در رده سنی نوجوانان در دو گروه کمربندهای سبز، آبی، قرمز و مشکی در سالن شهید صدوقی بوشهر برگزار شد. در این مسابقات آقایان نیک‌خواه، نگهداری، مؤمنی‌وند، رومی، افتخاری، ستارپناهی، کریمی، یارمحمدی، زارعی‌فرد، سعدی‌خانی، پولادی و آقازاده عنوانهای برتر را بدست آورند.

تکمیل پیست دوومیدانی دیر

بیش از ۸۲ میلیون ریال اعتبار امسال برای تکمیل پیست دوومیدانی و احداث زمین چند منظوره ورزشی در شهرستان دیر اختصاص یافته است.

آقای نماینده مثال را اشتباه فهمیده‌اید.

استفاده از مثالها و تمثیلها برای روشنتر بیان کردن منظور افراد از نکات ظریفی است که احتمالاً در تمام دنیا شایع است. در همین رابطه درکشور ما نیز گاه بنا به زمان و مکان مثالها و تمثیلهایی رواج یافته است که اثر آن از صدها سخنرانی و موعظه بیشتر بوده است و البته که این مثالها نیز همانند اشعار و نثرها دارای صاحب و آفریننده بوده و به اسم همان بزرگان بر سر زبانها افتاده است چرا که آنان برای اول بار، بقولی آنرا کشف نموده و به آن اشاره کرده‌اند. مثالهای سعدی علیه الرحمه در گلستان و بوستان از آن جمله است و یا تلاشهای مرحوم دهخدا و هم اکنون نیز احمد شاملو در جمع‌آوری این مثالها و آفریننده آن در ادبیات این مرز و بوم حکایت ازاهمیت آن دارد. بنابراین همانطور که نمی‌توان نثر و یا شعر کسی را به دلخواه و بنا به نیات خود تغییر و تفسیر نمود، مثالهای شناخته شده و رواج یافته را نیز نمی‌توان به دلخواه خود بیان نمود.

در جوابیه آقای حاجیانی، هنگامی که به نسیم جنوب تاخته بودند، مثالی ذکر گردیده است بدین مضمون که گویا در روستای آبدون که محل زندگی ایشان بوده، خروسی داشته‌اند که تازه بانگ زدن را یاد گرفته بوده و وقت را هم نمی‌شناخته و می‌خواسته خود را بین خروسهای دیگر مطرح کند و صدایی غیرطبیعی و مشمئز کننده داشته و خلاصه اینکه همسایگان آقای حاجیانی در آبدون معترض ایشان می‌شوند که این خروس نه وقت می‌شناسد و نه بانگ زدن می‌داند و صدایش هم شبیه به انکرالاصوات است و هر چه آقای حاجیانی صبر کرده تا خروس خود را اصلاح کند، خروس خود را اصلاح نکرده و عاقبت بانگ بی‌محل، کار دستش داده است.

این نماینده مجلس از این مثال خود استفاده می‌کند برای اینکه بگوید نسیم جنوب نیز همانند خروس آبدون می‌خواهد از دیگران تقلید کند اما بلد نیست و البته می توان نتیجه گرفت که نسیم جنوب نیز همانند خروس آبدونی کار دست خودش خواهد داد. گفتیم که به همان نسبت که شعر دیگران را به اسم خود زدن نامبارک است مثال دیگران را نیز به اسم خود گفتن، نامیمون است. هر کس که اندک سر و کاری با مطالعه کتاب داشته باشد، به خوبی آگاه است که اصل این مثال مربوط به کتاب معروف کویر از زنده‌یاد دکتر شریعتی است، دکتر شریعتی در کتاب کویر داستان خروسی را نقل می‌کند که در مزینان (روستای زادگاه شریعتی) در دل نیمه شب، به خواندن برمی‌خیزد این خروس شروجنگی! با صدای دورگه‌اش! باعث بیدار شدن اهالی ده می‌شود. جوانان از این صدا استقبال می‌کنند و برخی نیز ناراحت از اینکه چرا این خروس خواب آنان را بهم زده است. فردا صبح خروس توسط یکی از خدمه کشته می‌شود و به ظاهر جریان این خروس پایان می‌پذیرد. شریعتی با ذکر این مثال که با زیبائی هر چه تمامتر در کویر آمده، داستان «بیدارکنندگانی» را مطرح می‌کند که در دل شب و در هنگامی که اکثر افراد در خواب هستند بانگ بیدار باش سر می‌دهند و مردم را به هوشیاری و آگاهی می‌خوانند و عده‌ای از جوانان به دنبال این ندا برمی‌خیزند و عده‌ای نیز که منافعشان در خطر افتاده، سعی در ازبین بردن اینان می‌کنند و آنها را ازبین می‌برند. بنابراین به خوبی مشخص است که هدف این خروس بیدار باش خفتگان بوده است نه به نظر آقای حاجیانی تقلید کردن و مطرح کردن خود. از طرف دیگر گویا این نماینده محترم با کتاب و نشریات میانهٔ چندانی ندارد، چرا که بسیاری از دست اندکاران نسیم جنوب، سابقهٔ طولانی و درخشانی در امر نویسندگی داشته و سالها به اینکار مشغولند، سردبیر این نشریه سالها است که به قلمزنی در مطبوعات سراسری همانند: اطلاعات، سلام و... مشغول بوده و مقالات محلی ایشان را به کرّات در نشریات محلی شاهد بوده‌ایم. دبیر سرویس مقالات نسیم جنوب نیز که از نویسندگان توانا و سختکوش جنوب ایران است که فکر می‌کنم تا به حال بیش از ده کتاب مفید به چاپ رسانده است و حداقل ده سالی است که روزنامه‌نگار است و او بود که برای اولین بار پس از گذشت سالها رکود در کار مطبوعات با انتشار هفته نامه «ندای بوشهر» کار انتشار نشریه در بوشهر را رونق داد و جو شکنی نمود. دبیر سرویس ادبی که دیگر مشهورتر از آن است که نیاز به تعریف این جانب باشد، فقط یادم نمی‌رود یکی از اساتید دانشگاهی که خود نیز از نویسندگان و از ادباء بزرگ این مملکت است، هرگاه صحبت از این شاعر می‌شد، می‌گفت که بی‌شک ایشان جزو چند شاعر بزرگ معاصر کشور است وصد حیف که قدر ایشان ناشناخته مانده است. دیگر دبیران سرویسهای نسیم جنوب نیز که متأسفانه بنده از نزدیک با آنان آشنا نبوده اما از دور شاهد تلاش دیرینهٔ آنان در عرصه‌های موضوعی کاری آنان بوده‌ام از جمله سرویس هنری و یا ورزشی و... و از اینرو از این سخن جناب نماینده تعجب می‌کنم که فکر می‌کنند این افراد تازه در قالب نسیم جنوب می‌خواهند خودشان را مطرح کنند و یا از دیگران تقلید کنند. در هر صورت از فردی که بار سنگین نمایندگی مردم بر دوش او گذاشته شده، انتظار می‌رفت که دقت بیشتری‌می‌کردند.

«امضا محفوظ»

کالبد شکافی یک پیشنهاد

● محمدجعفر همتی

نظر به اینکه در پیش شماره چهاردهم نشریه نسیم جنوب، در جوابیه حجت‌الاسلام حاجیانی، ایشان عنوان نموده‌اند: «در جلسه شورای اداری، پیشنهاد...! نمودم از هر متر مکعب گاز، یک ریال (روزی ۸۵۰۰۰۰ تومان) به حساب سازمان عمران استان جهت هزینه کردن در استان ریخته شود و....».

با توجه به اهمیت موضوع و انتظار بهره‌مندی استان از محل درآمد گاز، لازم است به سابقه این پیشنهاد که در جهت محرومیت زدائی استان ارائه گردیده و حال عواید تبلیغاتی آن مد نظر می‌باشد اشاره کرد. پیشنهاد فوق، اولین بار در سال ۱۳۷۵ توسط یکی از کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی استانداری، مطرح گردید که متأسفانه از سوی استاندار وقت جدی تلقی نگردید و به همراه شکوائیه‌های اینجانب از عملکرد بانکهای عامل در پرداخت وام تبصره ۳ بایگانی گردید. با شروع فعالیت شرکت عمران و توسعه استان بوشهر، پیشنهاد فوق به عنوان یکی از راههای تأمین سرمایه شرکت، مجدداً مطرح و مورد استقبال قرار گرفت. پیشنهاد مذکور توسط کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی بصورت کاربردی مطالعه و با مستندات لازم بصورت مکتوب در فهرست پیشنهادات استان به نمایندگان اعزامی از سوی ریاست محترم جمهوری تحویل گردید. با توجه به اینکه واژه "پیگیری کار"، کاربرد تبلیغاتی بیشتری نسبت به واژه پیشنهاد دارد، لازم بود آقای حاجیانی بجای نسبت دادن این پیشنهاد به خودشان عبارت «ضرورت پیگیری پیشنهاد» را بکار می‌بردند. اما اینکه پیشنهاد از سوی چه کسی بوده، مهم نیست. مهم این است این پیشنهاد جامه عمل بپوشد و مردم محروم استان از این نعمت خدادادی بهره‌مند شوند و انشاءالله نمایندگان محترم نیز گزارش عملکرد خود را در رابطه با پیگیری موضوع به مردم ارائه نمایند.

آقای حاجیانی، چرا یکسونگری؟!

● حسن لاوری

جناب آقای حاجیانی ،شما با یک نوشته ۲۳ صفحه‌ای بدون تفکیک مخاطبین و پاسخ جداگانه به آن همه را با یک جوابیه پاسخ داده‌اید، لذا مطالب نوشته شده شما خطاب به تمامی منتقدین مقاله نویس بوده و همه را مثل هم فرض نموده‌اید. علیهذا اگر چه درخصوص مطلبی،ممکن است خطابتان شخصی خاص بوده باشد ولی به دلیل عدم مشخص نمودن مخاطب، تمامی مقاله‌نویسان مذکور را مورد خطاب قرار داده‌اید. لذا توهین و اهانت به یک نفر، توهین و اهانت به تمامی آنان بوده است.

اما نکات مورد توجه ۱ـ نوشته‌اید «اما آنچه روشن است این است که چنین اهانتها تنها متوجه شخص من نیست، اهانتی است به من به روحانیت به خانوادهٔ شهداء و به بسیجی و رزمنده، اهانت به من، اهانت به (لااقل)دویست و پنجاه هزار نفر از موکلان اینجانب می‌باشد». «نیت شما به وضوح بر من آشکار است شما نه دنباله‌رو جامعه مدنی منبعث از مدینةالنبی هستید و نه در جهت توفیق دولت آقای خاتمی قدم برمی‌دارید. نیت شما بیرون راندن روحانیت اصیل از صحنه است...».

نماینده عزیز چه کسی به شما توهین کرده است، همانطوریکه نوشته‌اید هر گفته و نوشته‌ای باید مستند به دلیل و مدرک باشد دلیل منطقی و عقل‌پسند شما چیست؟ در کدام مقاله و چه توهینی به روحانیت می‌باشد.آیا انتقاد و نقد رفتار و عملکرد سیاسی شما، توهین به روحانیت می‌باشد. آیا شما تمام روحانیت، تمام خانواده شهدا و تمام بسیج و رزمنده‌ها هستی. اگر اینگونه باشد توهین و اهانتهایی که دوستان و همفکران شما در زمان انتخابات علیه آقای خاتمی گفتند، نوشتند و در سراسر ایران توزیع نمودند چه می‌توان نام نهاد!

آیا اگر شخص کم سن و سالی بنویسد چرا در مهمترین زمان کاری یکساله مجلس، علیرغم رفتن چندین باره به حج، بجای حمایت از بودجه استان و عسلویه به حج مشرف می‌شوید بیرون راندن روحانیت اصیل از صحنه است!!! اگر نیت ما بیرون راندن روحانیت اصیل از صحنه است، بطور شبانه‌روزی در خارج از حوزه انتخابیه خود جهت موفقیت شما که روحانی بودید تلاش و کوشش نمی‌کردیم.

۲ـ نوشته‌اید «درج عبارت فلانی چندین بار به حج عمره رفته حاکی از حداقل ۲۰ دفعه تشرف است زیرا کلمه چندین عدد ۲۰ به بالا را شامل می‌شود و ظاهراً نویسنده معنی این کلمه را نمی‌دانسته». آقای نماینده محترم، با کدام منطق و استدلالی که همیشه مدعی آن هستید چندین دفعه را اینطور معنی می‌کنید. در کدام فرهنگ لغتی نوشته شده است که ما آنرا ندیدیم! آیا نماینده مجلس که هرگونه نقدی در مورد ایشان اهانت به تمام خانواده شهداء، رزمندگان و تمام ۲۵۰ هزار نفر موکل خود می‌داند اطلاعاتش باید اینگونه باشد!!!

۳ـ نوشته‌اید «در بعضی از سخنان و نوشته‌هاحرمت جلسات و قلم به صراحت نادیده گرفته شده است». متأسفانه خود ادامه داده‌اید «ولی برای اینکه تازه به دوران رسیده‌ها و کسانی که بر سر سفره آماده حاضر شده و بدون اینکه پشت سر خود را نگاه کنند خود را مالک آن می‌دانند...». «فکری واهی در سر دارید...». «نیات شما به وضوح بر من آشکار است... شما چون نمی‌توانید چهرهٔ واقعی خودتان را ظاهر کنید (اگر چهرهٔ واقعی شما آفتابی شود مردم شما را طرد می‌کنند) از اینرو پشت سنگر جامعه مدنی خود را مخفی کرده و به سمت ما نشانه رفته‌اید». «فردی دیگر قلم در دست توهین‌نگاران از عدم تطابق نظر بنده با اکثریت حوزه انتخابی خود در انتخابات دوم خرداد سوء بهره‌برداری نموده».

آیا اصطلاحات: "تازه به دوران رسیده‌ها، بر سر سفره آماده حاضر شده و خود را مالک آن می‌دانند، اگر چهره واقعی شما ظاهر شود، فکری واهی در سر دارید، نیات شما بیرون راندن روحانیت اصیل، قلم در دست توهین نگاران و خروسی با صدای غیرطبیعی و مشمئز کننده"، توهین، تهمت، هتاکی، بی‌حرمتی محسوب نمی‌گردد؟ در فرهنگ لغت نماینده مجلس این الفاظ چه مفهومی را می‌رساند. اگر از نگارنده کم سن و سالی و تازه به دوران رسیده‌ای چون حقیر، توهین و اهانتی سر بزند (که اینگونه نبوده) زیاد توقع و انتظاری نیست ولی از حضرتعالی که خود را نماینده مجلس شورای اسلامی می‌دانید و همچنین تازه به دوران رسیده نیستید بعید است. حضرتعالی با توجه به نوشتهٔ خود مورد خطاب قرار می‌دهم «اگر گمان می‌کنید که با اهانت و ناسزاگوئی می‌توانید دل مردم را از ما دور کنید عبث است زیرا مردم در طول تاریخ توهین کننده را محکوم کرده‌اند نه توهین شونده را». به قول خودتان «ادب سرمایه زندگی است».

۴ـ نوشته‌اید «در ایران آزاد که ابراز رأی حق مسلم هر ایرانی است و افراد مفید به انتخاب می‌باشندو سعی چنین قلمفرسایانی برای زیر سؤال بردن اختیار و اراده آزادانه تهدیدی علیه این مقوله نیست بلکه با توسعه دامنه آن سعی دارند تا جرأت بیان یک مسئله شرعی را نیز از ما سلب نمایند». نماینده محترم آیا تلاشهای خود را درایام انتخابات ریاست جمهوری را در نظر آورده‌ای آیا به این سخن عمل کرده‌ای یا خیر. حضرتعالی این گفته را که به حجت‌الاسلام سیدعباس موسوی کرامتی، رئیس ستاد تبلیغاتی سیدمحمد خاتمی در شهرستان دیر را که با این مضامین‌بیان داشته‌اید را در نظر بیاور:«چون مطالب سخنرانان طرفدار خاتمی در دیّر به حساب شما گذاشته می‌شود لذا از ستاد آقای خاتمی‌کناره‌گیری کنید» آیا شما تهدید نکرده‌اید؟! آیا این گفتار شما تهدیدی علیه اختیار و اراده آزادانه افراد در زمان انتخابات ریاست جمهوری نبوده است و...

۵ـ در مورد مستقل بودن شما از جناحهای فکری نظام،آیا همانطوریکه انصار حزب‌ا... مستقل می‌باشند شما هم مستقل هستید؟ آیا همانطوریکه بعضی از نمایندگان کاندیدای جامعه روحانیت مبارز تهران مستقل می‌باشند شما هم مستقل هستید؟ سؤال من از شما این است که شماچگونه فرد مستقلی هستید که در تمامی موضع گیریهای سیاسی مجلس که نشان دهنده موضع جناحی نمایندگان می‌باشد با جناح راست هم‌رأی می‌باشید آیا مستقل بودن اینگونه معنی می‌دهد. حضرتعالی چگونه با اصرار زیاد رأی‌دهندگان و اعضای ستاد انتخاباتی خود مبنی بر عدم دخالت و موضع‌گیری صریح به نفع آقای ناطق‌نوری،اقدام به اینکار نمودید آیا این نشان از مستقل بودن جناحی شما می‌باشد. بالاخره اگر واقعاً مستقل باشید و رأی آزاد و با اختیار می‌دهید و همچون شهید مدرس از ابراز رأی خود ابایی ندارید لطفاً شجاعانه بفرمائید در سه دوره انتخاب مجلس به چه کسی رأی داده‌اید.در جریان استیضاح عبدالله نوری چه رأی به گلدان انداخته‌اید؟ اگر مستقل می‌باشید و معتقدید که جناح راست اشتباه و خطا دارد شمه‌ای از خطاها و اشتباهات آنان را برشمارید.

۶ـ در مورد مسئله عسلویه مطالب و موارد زیادی قابل ذکر می‌باشد که فقط به چند مورد آن اکتفا می‌گردد: همه معتقدند عسلویه جزء لایتجزای استان بوشهر می‌باشد و هیچ کس و مقامی حق انتزاع آن را از بوشهر ندارد. ـ برای اولین بار بطور رسمی و صریح مسئله انتزاع عسلویه به استان فارس و راهیابی آن به دریا از طریق عسلویه توسط حجت‌الاسلام ناطق‌نوری ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و کاندیدای مورد نظر شما برای ریاست جمهوری در سال ۷۲ در سفر ایشان به استان فارس مطرح گردید و متعاقب آن عده‌ای از همین کم سن و سالها چند جلسه در مسجد توحید در اعتراض به آن برگزار نمودند و در یکی از جلسات سه نماینده وقت مجلس آقایان خواجه‌پور، شهریاری و رازقی و استاندار وقت بوشهر دعوت شدند که متأسفانه تنها استاندار وقت در جلسه حاضر گردید، حضرتعالی کجا تشریف داشتید و بعد از آن پیگیریها بود که موضوع در آن زمان منتفی گردید. حضرتعالی در پاسخ به موارد مطروحه در خصوص عسلویه در ۲۳ صفحه فقط در ضرورت و اهمیت عسلویه نوشته‌اید و هیچگونه دلیل و مدرکی عقل پسند نیاورده‌اید که نشان دهد که اینکار در حال انجام شدن می‌باشد و یا این کارها صورت گرفته است و خود کلی‌گویی موضوع بدون استناد به دلیل و مدرک عقل‌پسند و منطقی نشان از حربه بودن آن است. نماینده عزیز، شما چرا به موضوع انتزاع عسلویه، انتزاع نای‌بند رانیز اضافه نموده‌اید. اگر استان فارس فقط عسلویه را تنها می‌خواست شما با اعلان وضعیت نای‌بند آنان را در جهت انتزاع آن ترغیب نموده‌اید.

آقای حاجیانی پیاده شوید با هم راه برویم

● خلیل مرادزاده

در چند پیش شماره اخیر هفته نامه محترم نسیم جنوب جوابیه‌های آقای حاجیانی نماینده مردم دشتی، تنگستان، دیر و کنگان چاپ شد که پر است از ادعاکه همهٔ آنها جای تأمل دارد. قسمتهای اول و دوم را خواندم و با توجه به اینکه جای پاسخ بود از آن گذشتم اما این ادعاها در قسمت بعدی خیلی بالاگرفته بود و دیدم نمی‌شود بی‌پاسخ گذشت لذا بر آن شدم که چند سطری از باب تذکر به وی یادآور شوم.

ایشان مدعی هستند که در مخالفت با رژیم ستم شاهی برنامه‌ریزیهای پشت پرده را بعهده داشتند و در انتقال پیامهای امام به بوشهر فعال بوده و حمل اعلامیه را سفرهای پرمخاطره می‌نامند. برادر عزیز، در جایی که همهٔ مردم در صحنه بوده و رودرروی رژیم ایستاده بودند ادعای پشت صحنه بودن یک روحانی که دم از مبارزه می‌زند بسیار مضحک است و بنده بنام کسی که هر شب اطلاعیه‌های امام را به خانه می‌برد و بعضاً تا صبح می‌نشست و بوسیلهٔ کاربن و دست نویس آنها را تکثیر می‌کرد، هیچ وقت از برادرانی که در انتقال اعلامیه دست داشتند نام شما را نشنیدم و از برادرانی که اعلامیه‌ها را منتقل می‌کردند هیچوقت در هیچ مجلسی حتی یک سخنرانی علیه شاه هم از شما نشنیدم.

در جایی دیگر نوشته‌اید خود را شکست خورده سیاسی نمی‌دانم، برادر عزیز بزرگوار، در صحنهٔ سیاست همیشه پیروزی و شکست است و باید پذیرفت که موضع گیری شما در انتخابات ریاست جمهوری با شکستی سنگین روبرو شد. البته کسی بعد از شکست خانه نشین نمی‌شود که شما مدعی شده‌اید بعد از مجلس چهارم به کار روزمره‌ام ادامه دادم. مدعی شده‌اید که با این حرفها نمی‌توانید مرا بترسانید و به عقب نشینی وادارید، باید خدمت شما عرض کنم که‌گویا شما خیلی قبل از اینها ترسیده‌اید، بنده معتقدم که بعد از انتخابات مجلس پنجم که شما یکباره از چپ به راست تغییر موضع دادید، این نشانه ترس شما از بخطر افتادن موقعیت خود و عقب نشینی سریع شما بود.

نوشته‌اید که در جبهه زیر گلوله بوده‌ام و گلوله بالای سرم رد می‌شد، برادرم، اکثر بچه‌های این استان در جنگ نه تنهاگلوله از بالای سر آنان رد می‌شد بلکه بعضی از آنان اعضای بدنشان را از دست دادند و بعضی دیگر بدنشان پر از ترکش است و شبها به زحمت می‌خوابند و بعضی دیگر عزیزترین عزیزان خود را پر پر شده دیده‌اند. تمسک جستن به جبهه و بعد بدین وسیله رقبای خود را تازه به دوران رسیده نامیدن دور از انصاف است.

نوشته‌اید رأی مثبت به نامزدی اینجانب برای احراز سمت نمایندگی، آزادانه و با تشخیص فردی بدون ایماء و اشاره جناح‌ها صورت گرفت. خدمت شما عرض کنم اینطور نیست که شما می‌فرمائید، آراء بچه مسلمانها به شما فقط به خاطر بیرون کردن کاندیدای جناح راست از میدان بود و من در اکثر جلسات آقای دشتی که مبلّغ شما بود با دوگوش خود شنیدم که همیشه شما را بعنوان کاندیدای مخالف جناح راست معرفی می‌کرد و حتی از این هم فراتر می‌رفت و به سران جناح راست در پشتیبانی شما حمله می‌نمود و خود بنده سراغ دارم افرادی که بعضاً معلول جنگی هستند و پا ندارند از بوشهر بلند شده و به روستاهای حوزه انتخابیه شما رفته و فقط بعنوان اینکه شما مخالف جناح راست هستید برای شما تبلیغ می‌کردند که متأسفانه شما بعد از انتخاب دل آنها را شکستید.

در ارتباط با عسلویه هم خدمت شما عرض کنم همانطور که مطلع هستید در دوره چهارم مجلس ستادی در بوشهر با همت امام جمعه محترم بوشهر تشکیل شد و قبل از شما مسئله پیگیری شد و الان هم هر وقت لازم باشد ستاد با پشتیبانی جوانان غیور استان فعال خواهد شد و نیاز به رهبری شما نیست چون آزموده را آزمودن خطاست.

در پایان نوشته بودید بالاخره ما جزء کدام جناح هستیم، خدمت شما با قاطعیت عرض کنم جناح راست، بگذار فقط خاطره‌ای را برایتان نقل کنم، بنده تا صبح روز رای‌گیری، نتایج رأی گیری را دنبال می‌کردم، بعد از اذان صبح بود که دیگر مسلم شد حضر تعالی جزء انتخاب شدگان هستید. بعد از نماز صبح بنده از خوشحالی از اینکه زحمات بچه‌های جانباز هدر نرفته دو رکعت نماز شکر بجا آوردم. اما چند روز بعد بزرگواری که در سه دوره مجلس نماینده بود میهمان ما بود، از انتخابات بوشهر پرسید با خوشحالی گفتم که بحمدالله دو نماینده از خط فکری ما یکی در برازجان و دیگری از دشتی به مجلس رفته‌اند. ایشان نماینده برازجان را شناخت گفت در برازجان ایشان شما را (...) داده و در مجلس سوم هم جزء جناح ما نبود و الان هم جناح راست هستند و درباره شما هم گفت خیلی عجله نکنید، بعضی از این نماینده‌ها وقتی به مجلس می‌روند در مقابل جناح راست یا (...) و راستی می‌شوند و یا با یک (...) یک (...) خط عوض می‌کنند.

جوابیه آقای حاجیانی، شروع روشی جدید

● محمود زنده‌بودی

اصل و گفتگو و مباحثه میان افراد و مسئولین بسیار نیکو است و از پیامدهای دوم خرداد یکی همین باز شدن جدی گفتگو میان مردم و مسئولین است. در چهار هفته قبل شاهد چاپ جوابیه حجت‌الاسلام حاجیانی به مقالات نقد شده در مورد ایشان در نسیم جنوب بودیم. نفس اینکار خیلی خوب است و باید واقعاً از آقای حاجیانی تشکر نمود که زحمت کشیده و جوابیه‌ای مستدل و در خور توجه را با دقت نظر آماده و ارسال نموده‌اند. این امر زیبا، تا کنون در بین نمایندگان استان بوشهر سابقه نداشته است و به یاد نمی‌آورم که تا کنون هیچ نماینده‌ای چه اکنون و چه در دوره‌های قبل اینگونه جوابیه‌ای را برای منتقدین خود به چاپ رسانده باشد. بنابراین می توان گفت که آقای حاجیانی اولین نماینده استان بوشهر هستند که اصل گفتگو و مباحثه با مردم و موکلین خود را جدی گرفته و باب رابطه دو طرفه و متکی بر فهم و دسترسی عمومی را باز نموده‌اند، امیدوارم که دیگر نمایندگان استان نیز به روش ایشان تأسی جسته و نسبت به انتقاداتی که بصورت مکتوب در نشریات از آنان می‌شود بی‌تفاوت نبوده و به جواب دادن شفاهی نیز اکتفا ننمایند، بلکه جواب خود را بصورت کتبی برای دسترسی عموم منتشر نمایند.

آقای نماینده،اهانت چرا؟!

● ج - جمالی

در جوابیه نماینده محترم دشتی در نسیم جنوب نکات جالب و قابل توجهی وجود داشت، اما آنچه که نظر هر بیننده بی‌طرفی را جلب می‌نمود عصبانیت ایشان در هنگام نوشتن این متن بود. گویا ایشان در هنگام نوشتن بسیار ناراحت بوده است . به این خاطراز کلمات و عبارات و صفاتی استفاده کرده‌اند که درخور شأن یک نماینده نیست. بطور مشخص ایشان در این ۲۳ صفحه حدود ۷۵ مورد به نشریه نسیم جنوب و کسانی که در آن، مقاله نوشته‌اند توهین، تهمت و اهانت نموده‌اند. جا داشت که ایشان در این خصوص توجه بیشتری می‌کردند. بعضی از توهینها و تهمتهای مطرح شده در جوابیه ایشان نسبت به نشریه نسیم جنوب و به قول ایشان نسیم‌نویسان عبارتند از: مغرضانه نوشتن، تحریف واقعیتها، نوشتن مطالب دروغ، زدن تهمت و افترا، خیانت نمودن، آشنا نبودن با مسائل اولیه اسلام، هتاکی، بی‌حرمتی، اهانت کردن به روحانیت و خانواده معظم شهدا و بسیجیان و رزمندگان و لااقل ۲۵۰ هزار نفر، تجاوز به فضایل اخلاقی جامعه، بکار بردن سیاست همراه با مرض، انطباق غرض و مرض، دادن فحش و فضیحت و به پاکردن جنجال و هیاهو، سوار شدن بر مرکب احساسات و حب و بغض، ریختن آب به آسیاب فارسی‌ها، تازه به دوران رسیده‌ها، کسانی که بر سر سفره آماده حاضر شده‌اند، جوسازی و هیاهو و بستن پیرایه‌های دروغ، گفتن اهانت و ناسزا، داشتن فکر واهی در سر، انجام خیمه شب بازیها، بیرون راندن روحانیت اصیل از صحنه، توهین نگاران، تحریک احساسات و تشویق به دسته‌بندی، دادن نسبتهای دروغ، سطحی‌نگری، تضعیف ایشان، ترساندن ایشان، نادانسته نوشتن، اصل و اساس نداشتن مطالب نوشته شده، انتقاد مغرضانه از ایشان همراه با تهمت و افترا، مشمئز کننده، جایگاه فحاشان، ریختن آبروی مردم، درج هتاکی‌ها و بی‌حرمتیها، چشم دیدن مخالف را نداشتن، سوءاستفاده از آزادی، ناصواب بودن راه، پیش کشیدن بحثهای انحرافی و آب به آسیاب دیگران ریختن، باب طبع بیگانگان و اجانب حرف زدن، بی‌ادبی، افترا و توهین و.... .

ایشان در نهایت از نسیم نویسان درخواست نموده‌اند که از ادامه این روند توبه نمایند.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

صاحب امتیاز : دکتر عبدالامیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس فیصی زاده
مدیر اجرایی : مهندس محمد مهدی بنچاری
مدیر فنی : حسین ابوالحسنی
بخش ادبی : منوچهر آتشی
بخش مقالات : سید قاسم یاحسینی
بخش ورزشی : سید محمد سیدزاده
بخش هنری : حسین دهقانی
بخش اقتصاد : پرویز حاجیانی
بخش معارف : حجة الاسلام محمد فولادی
بخش سیاسی : خضرخلیلی
بخش جوانان : محمدسعید فقیه
بخش عکاسی : عباس حیدری
چاپ ولیتوگرافی:چاپخانه علوی بوشهر،خ امام،خ شهید حیدری
آدرس:بوشهر،خ امام،خ فاطمیه،خ شهیدفیصی زاده،دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب-تلفن: ۳۵۸۲۰ صندوق پستی: ۱۱۹۹